

پژوهشهای حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

۶

شماره

هزار و سیصد و نود و چهار - نیمسال دوم

- تروریسم در عداد جنایات بین‌المللی: رویکرد دادگاه ویژه لبنان به تعریف تروریسم بین‌المللی
۵
ابراهیم بیگزاده - منا میرزاده
- تأثیر رسانه‌ها بر خشونت‌گرایی و احساس ناامنی
۳۷
علی صفاری - راضیه صابری
- عنصر معنوی جنایت شکنجه با نگاهی به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی
۸۵
مهدی عبدالملکی - سید قاسم زمانی
- حق برخورداری مظنونان و متهمان از وکیل مدافع منتخب؛ تطبیق با اسناد حقوق بشری
۱۱۷
رجب گلدوست جویباری - مهران ابراهیمی منش
- بررسی تطبیقی کلاهبرداری رایانه‌ای با کلاهبرداری سنتی با نگاه به امنیت تجارت الکترونیکی
۱۳۷
سید حسین طباطبایی
- نقش بزه‌دیده در حقوق کیفری انگلستان
۱۶۱
سید علیرضا میرکمالی





http://jcl.ac.ir/article_40880.html

تروریسم در عداد جنایات بین‌المللی: رویکرد دادگاه ویژه لبنان به تعریف تروریسم بین‌المللی

ابراهیم بیگ‌زاده* - منا میرزاده**

چکیده

در تاریخ ۲۱ ژانویه ۲۰۱۱، قاضی شعبه مقدماتی در دادگاه ویژه لبنان برای تصمیم‌گیری در خصوص تأیید یا عدم تأیید کیفرخواست متهمان لازم دانست که مطابق اساسنامه، نظر شعبه تجدیدنظر را در مورد برخی مسائل جویا شود. از جمله مهم‌ترین مسائل مطرح شده، تعریف تروریسم بین‌المللی بود؛ به این معنا که آیا برای رسیدگی‌های آتی فقط باید تعریف قانون مجازات لبنان از این جرم مدنظر قرار گیرد یا اینکه باید از حقوق بین‌الملل نیز یاری گرفت؟ مطابق نظر شعبه تجدیدنظر، قوانین کیفری لبنان در خصوص تروریسم باید در پرتوی حقوق بین‌الملل تفسیر شوند تا بر خلاف رویه دادگاه‌های داخلی لبنان، وسایل ارتکاب این جرم که سبب بروز خطر عمومی می‌شوند به صورت حصری و مضیق در نظر گرفته نشوند. در این میان نکته مهم آن است که دادگاه ویژه لبنان به عنوان نخستین دادگاهی که صلاحیت ذاتی رسیدگی به جنایت تروریسم را دارد، بر این باور است که تعریف جنایت تروریسم بین‌المللی را می‌توان در عرف بین‌المللی احراز نمود. به زعم دادگاه، این قاعده عرفی واجد سه عنصر است: (۱) ارتکاب یک عمل مجرمانه (نظیر قتل، آدم‌ربایی، گروگانگیری، آتش‌سوزی عمدی و غیره)؛ (۲) قصد پراکندن خوف و وحشت در میان مردم - که به طور معمول به ایجاد خطر عمومی می‌انجامد - یا اجبار مستقیم یا غیرمستقیم مقام‌های ملی یا بین‌المللی به انجام اقدام‌هایی یا خودداری از انجام آن؛ (۳) زمانی که عمل؛ واجد یک عنصر فراملی است.

کلیدواژه‌ها:

تعریف تروریسم بین‌المللی، دادگاه ویژه لبنان، جنایات بین‌المللی، احراز عرف بین‌المللی، وسایل ارتکاب تروریسم.

Email: beigzadehlah@hotmail.com

* استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی

** دانشجوی دوره دکترای حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی، نویسنده مسؤول

Email: mona.mirzade@gmail.com

مقدمه: نگاهی گذرا به دادگاه ویژه لبنان

در ۱۴ فوریه ۲۰۰۵، انفجار بمبی به کشته شدن رفیق حریری، نخست‌وزیر لبنان، و ۲۲ تن دیگر انجامید. یک ماه بعد پیرو قطعنامه ۱۵۹۵ شورای امنیت،^۱ کمیسیون تحقیق مستقلی تشکیل شد تا در انجام تحقیقات به مقام‌های لبنانی یاری رساند. این کمیسیون در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۵ فعالیت خود را آغاز نمود. متعاقباً شورای امنیت با صدور قطعنامه‌های ۱۶۳۶ (۲۰۰۵)،^۲ ۱۶۴۴ (۲۰۰۵)،^۳ ۱۶۸۶ (۲۰۰۶)،^۴ ۱۷۴۸ (۲۰۰۷)^۵ و ۱۸۱۵ (۲۰۰۸)^۶ حیطه وظایف کمیسیون را گسترش داد. با خاتمه فعالیت کمیسیون در ۲۸ فوریه ۲۰۰۹، در اول مارس همان سال دادگاه ویژه لبنان تشکیل شد.^۷ در حقیقت این دادگاه ویژه به منظور مجازات مسؤولان بمب‌گذاری سال ۲۰۰۵، که به کشته شدن نخست‌وزیر سابق لبنان (رفیق حریری) و ۲۲ تن از همراهانش منجر گردید، در لاهه ایجاد گردید.

موافقتنامه منضم به اساسنامه دادگاه ویژه لبنان در ۲۳ ژانویه ۲۰۰۷ توسط دولت لبنان و در ۶ فوریه ۲۰۰۷ توسط سازمان ملل متحد به امضاء رسید.^۸ «باید گفت که دادگاه ویژه لبنان، بر خلاف دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا، نه یک رکن فرعی سازمان ملل متحد است و نه یک دادگاه داخلی لبنان محسوب می‌شود؛ بلکه همان‌طور که دبیرکل سازمان ملل متحد نیز متذکر شده است یک رکن معاهداتی (قراردادی) است.»^۹ بسیاری از نویسندگان این دادگاه را محکمه‌ای مختلط^{۱۰} یا دوزیست^{۱۱} می‌دانند که از یک سو بر اساس یک موافقتنامه بین‌المللی تأسیس شده و واجد کارکنان بین‌المللی است و از سوی دیگر توأمان هم حقوق داخلی و هم حقوق بین‌الملل را اعمال می‌کند.^{۱۲}

¹ Security Council Resolution 1595, April 7, 2005.

² Security Council Resolution 1636, Oct. 31, 2005.

³ Security Council Resolution 1644, Dec. 15, 2005.

⁴ Security Council Resolution 1686, June 15, 2006.

⁵ Security Council Resolution 1748, March 27, 2007.

⁶ Security Council Resolution 1815, June 2, 2008.

⁷ Wählisch, "The Special Tribunal for Lebanon an Introduction and Research Guide", p. 2.

⁸ For Statute of the Special Tribunal for Lebanon, see: Security Council Resolution 1757, May 30, 2007; Annex, Agreement between the United Nations and the Lebanese Republic on the establishment of a Special Tribunal for Lebanon, pp. 4-11; Attachment, Statute of the Special Tribunal for Lebanon, pp. 12-22.

⁹ بیگزاده، «دادگاه ویژه لبنان: گامی در راه گسترش مبارزه با بی‌کیفری»، ۱۵۱.

¹⁰ mixed

¹¹ hybrid

¹² Puchooa, "Defining Terrorism at the Special Tribunal for Lebanon", 35-36.

به طور کلی صلاحیت زمانی^{۱۳} دادگاه ویژه عبارت است از:

۱. حمله ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ که به کشته و زخمی شدن حریری و سایرین منجر شد؛
۲. سایر حملاتی که در حفاصل اول اکتبر ۲۰۰۴ تا ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵ صورت گرفته؛
۳. حملات متعاقب بعدی، مشروط به اینکه طرفین با رضایت شورای امنیت این حملات را به لحاظ ماهیت و شدت شبیه حمله ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ بدانند.^{۱۴}

دادگاه ویژه لبنان به لحاظ صلاحیت شخصی^{۱۵} می‌تواند فقط به محاکمه اشخاص حقیقی - و نه اشخاص حقوقی - مبادرت نماید.^{۱۶}

در نهایت صلاحیت ذاتی دادگاه ویژه لبنان نیز حسب بند یک و دو ماده ۲ اساسنامه شامل رسیدگی به اعمال تروریستی، جنایات علیه حیات و تمامیت جسمی، عدم افشای این جنایات، فتنه و توطئه‌چینی، جنگ داخلی و درگیری‌های فرقه‌ای است.^{۱۷}

باید گفت در قیاس با سایر محاکم بین‌المللی، دادگاه ویژه لبنان پنج ویژگی متمایز دارد:

۱. اولین دادگاه بین‌المللی است که در خصوص تروریسم ذی‌صلاح است؛ به دیگر سخن دادگاه ویژه لبنان نخستین محکمه‌ای است که در خصوص تعقیب و رسیدگی تروریسم، صلاحیت ذاتی^{۱۸} دارد؛
۲. قربانیان در دادگاه ویژه لبنان، امکان شرکت در جریان دادرسی را دارند؛ حال آنکه در دادگاه بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا قربانیان صرفاً به عنوان شاهد امکان مشارکت دارند؛
۳. جریان دادرسی در دادگاه ویژه لبنان می‌تواند در غیاب متهم نیز پی گرفته شود؛^{۱۹}
۴. دادگاه ویژه دفتر دفاع مستقلی دارد که وضعیت آن مشابه دفتر دادستانی است؛
۵. دادگاه ویژه واجد قاضی مقدماتی^{۲۰} است که کیفرخواست را بررسی کرده و پرونده‌ها را

¹³ *ratione temporis*

¹⁴ Wählisch, *op. cit.*, p. 7

¹⁵ *ratione personae*

¹⁶ *The STL Statute*, Article 3, Individual criminal responsibility.

¹⁷ *Ibid*, Article 2.

¹⁸ *ratione materiae*

¹⁹ برای مطالعه بیشتر در این خصوص، نک:

Gardner, "Reconsidering Trials in Absentia at the Special Tribunal for Lebanon: An Application of the Tribunal's Early Jurisprudence", 91.

²⁰ pre-trial

برای محاکمه آماده می‌کند.^{۲۱}

مطابق ماده ۶۸ قواعد آیین دادرسی و ادله دادگاه ویژه لبنان،^{۲۲} قاضی مقدماتی دادگاه در تاریخ ۲۱ ژانویه ۲۰۱۱، از شعبه تجدیدنظر سوالاتی را پرسید. پاسخگویی به این پرسش‌ها از آن جهت حایز اهمیت بود که تأیید یا عدم تأیید کیفرخواست از سوی قاضی مقدماتی منوط به تصمیم‌گیری در مورد این موارد بود. رئیس مواردی که شعبه تجدیدنظر دادگاه در پاسخ بدان‌ها پرداخته است، شامل موارد ذیل است:

۱. تفسیر اساسنامه دادگاه ویژه لبنان؛

۲. سایر جرائمی که در صلاحیت دادگاه هستند؛

۳. مسؤولیت کیفری؛

۴. مقوله اتهام مضاعف؛

۵. مفهوم تروریسم.

در خصوص تفسیر اساسنامه دادگاه، باید گفت که شعبه تجدیدنظر بر این نظر است که دادگاه ویژه باید قوانین لبنان را به نحوی که توسط دادگاه‌های لبنان تفسیر و اجرا می‌شود، به کار گیرد؛ مگر آنکه این قوانین غیرمنطقی و غیرمعارف باشد، یا آشکارا باعث بی‌عدالتی شوند یا با اصول بین‌المللی و مقرراتی که لبنان بدان‌ها متعهد است، هماهنگ نباشد.^{۲۳} درباره مسأله قانون قابل اعمال بر جرائم داخل در صلاحیت دادگاه، یعنی قتل عمدی، شروع به قتل و تبانی، تنها قانون ملی لبنان قابل اعمال است؛ چونکه در حقوق بین‌الملل کیفری نسخه مشابهی برای آنها مشاهده نمی‌شود.^{۲۴}

²¹ Wählisch, *op. cit.*, p. 5.

²² «قاعده ۶۸- ارائه کیفرخواست توسط دادستان: ... (ز) قاضی مقدماتی می‌تواند سؤال‌های مقدماتی‌ای که برای بررسی و تصمیم‌گیری راجع به کیفرخواست لازم می‌داند را در خصوص تفسیر موافقتنامه، اساسنامه و قواعد ناظر بر قانون مجرا برای شعبه تجدید نظر ارسال نماید. (اضافه شده در تاریخ ۱۰ نوامبر ۲۰۱۰)».

Special Tribunal for Lebanon Rules of Procedure and Evidence, adopted on 20 March 2009, last amended on 20 February 2013; available at <http://www.specialtribunalforlebanon.com>

²³ UN Special Tribunal for Lebanon (Appeals Chamber), *Interlocutory Decision on the Applicable Law: Terrorism, Conspiracy, Homicide, Perpetration, Cumulative Charging*, STL-11-01/I, 16 February 2011 (herein after STL Decision), paras. 33 and 39.

²⁴ *STL Decision*, para. 150.

در مورد مسأله سوم یعنی مسؤولیت کیفری، مطابق نظر شعبه تجدیدنظر، هم قانون مجازات لبنان و هم حقوق بین‌الملل کیفری - به نحو مندرج در ماده ۳ اساسنامه - می‌توانند در مورد اشکال مسؤولیت به کار گرفته شوند. قاضی مقدماتی و شعبه بدوی باید مورد به مورد تصمیم بگیرند که آیا میان اعمال قوانین لبنان و حقوق بین‌الملل کیفری تعارضی واقعی وجود دارد یا نه. مادامی که تعارضی نباشد، باید قوانین لبنان اعمال شوند. در صورت وجود تعارض، باید از مجموعه قوانینی استفاده شود که بیشتر به نفع متهم است.^{۲۵}

شعبه تجدیدنظر، قوانین لبنان و حقوق بین‌الملل کیفری را در خصوص مسأله اتهام مضاعف، همسو و همجهت می‌بیند. شعبه تأکید می‌کند که قاضی مقدماتی در زمان تأیید کیفرخواست باید به دقت مراقب باشد که اتهام مضاعف فقط زمانی مطرح شود که عناصر جداگانه جرائم مورد اتهام، باعث تمایز کامل این جرائم گردد. مشخصاً وقتی رابطه دو جرم، عموم خصوص مطلق است، قاضی باید همواره جرم اعم را انتخاب کند و از تعقیب جرم اخص خودداری نماید. به همین ترتیب وقتی در رابطه با جرمی هم یک قانون خاص و هم یک قانون عام وجود دارد، قاضی باید همواره مطابق قانون خاص عمل کند. در رابطه با پرسش فرضی مطرح شده از سوی قاضی مقدماتی، شعبه تجدیدنظر اظهار داشته که مطابق قانون لبنان، جرم توطئه برای تروریسم، تروریسم و قتل عمدی می‌توانند به نحو مضاعف مورد اتهام قرار گیرند ولو آنکه نسبت به یک اقدام واحد مطرح شده باشند. علت این است که توصیف حقوقی این جرائم با هم ناسازگار نیستند و مقصود از جرم‌انگاری این جرائم حمایت از ارزش‌های کاملاً متفاوتی است. بنابراین در غالب موارد، شایسته است که این جرائم به نحو مضاعف، و نه به عنوان جایگزین یکدیگر، مورد اتهام قرار گیرند.^{۲۶}

در نهایت قاضی مقدماتی برای تصمیم‌گیری در خصوص کیفرخواست از جمله از شعبه تجدیدنظر کسب نظر کرد که آیا دادگاه برای تعریف جنایت تروریسم باید از حقوق بین‌الملل استفاده نماید؟ در صورت پاسخ مثبت به این سوال، حقوق بین‌الملل ناظر بر تروریسم چگونه با اختلاف و تفاوت‌هایش باید در قانون داخلی لبنان در خصوص جنایت تروریسم تلفیق شود؟ و در هر حال عناصر مادی و معنوی جنایت تروریسم که دادگاه باید آنها را احراز کند، کدامند؟^{۲۷} در پاسخ شعبه تجدیدنظر، از سه منظر به مفهوم تروریسم توجه کرده است: نخست

²⁵ *Ibid*, p. 5.

²⁶ *Ibid*, p. 6.

²⁷ *Ibid*, p. 1.

اینکه آیا دادگاه به رغم آنکه ماده ۲ اساسنامه‌اش صرفاً به قانون مجازات لبنان اشاره نموده است، باید مفهوم بین‌المللی تروریسم را نیز مدنظر قرار دهد؟^{۲۸} دوم آنکه آیا تعریفی از تروریسم بین‌المللی وجود دارد و این تعریف چگونه باید به مرحله اجرا گذاشته شود؟^{۲۹} و دست آخر در صورت فقدان چنین تعریفی، دادگاه چگونه باید تعریف لبنان از تروریسم را تفسیر و تعبیر نماید؟ نظر به آنکه مقاله حاضر درصدد بررسی موضوع تعریف تروریسم بین‌المللی است، در بخش‌های بعدی به طور مفصل پاسخ شعبه تجدیدنظر در این مورد بررسی خواهند شد. به این منظور ابتدا قوانین و رویه قضایی لبنان در مواجهه با جنایت تروریسم بررسی می‌شود. پس از آن نوبت به بررسی لزوم تفسیر قوانین کیفری لبنان در پرتوی حقوق بین‌الملل می‌رسد. در ادامه چارچوب رسیدگی به جنایت تروریسم در دادگاه ویژه لبنان مرور خواهد شد. در انتها نیز رویکرد دادگاه ویژه لبنان مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۱- بررسی قوانین و رویه قضایی لبنان در رابطه با جنایت تروریسم

مطابق ماده ۲ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان، تعقیب و مجازات جرائم برشمرده شده در اساسنامه باید حسب مواد قانون مجازات لبنان که به موضوع تعقیب و مجازات اعمال تروریستی، جرائم علیه اشخاص و کرامت ذاتی آنها می‌پردازند و مواد ۶ و ۷ قانون مورخ ۱۱ ژانویه ۱۹۵۸ لبنان انجام پذیرد.

قانون مجازات لبنان در ماده ۳۱۴ به تعریف جنایت تروریسم پرداخته است:

«اعمال تروریستی به تمام اعمالی اطلاق می‌شوند که با قصد ایجاد حالت خوف و وحشت، با وسایلی که سبب ایجاد خطر عمومی می‌شوند، نظیر وسایل منفجره، مواد اشتعال‌زا، محصولات سمی یا خورنده و عوامل عفونی یا میکروبی، ارتکاب می‌یابند.»^{۳۰}

چنان‌که ملاحظه می‌شود قانونگذار در تشریح وسایل ارتکاب اعمال تروریستی، از عبارات تمثیلی «نظیر» استفاده نموده است. با این حال دادگاه‌های لبنان بیشتر به ارائه تفسیری مضیق از این ماده و مشخصاً نگاهی حصری به وسایل ارتکاب اعمال تروریستی متمایل بوده‌اند. توضیح آنکه مطابق تصمیم مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۶۴ دادگاه نظامی لبنان، وسیله یا ابزار یا دستگاه مورد استفاده باید به گونه‌ای باشند که سبب ایجاد خطر عمومی شود. این بدان

²⁸ *Ibid*, para. 42. i.

²⁹ *Ibid*, para. 42. ii.

³⁰ *Ibid*, para. 47.

معناست که اگر وسیله مورد استفاده بتواند سبب ایجاد خطر عمومی شود، آنگاه عمل ارتكابی در طبقه اعمال تروریستی جای می‌گیرد. بنابراین به طور نمونه در قضیه کرمی،^{۳۱} دادگاه مقرر نمود که استفاده از مواد منفجره در یک هلیکوپتر در حال پرواز موجب ایجاد خطر عمومی شده است و بنابراین یک عمل تروریستی محسوب می‌شود.^{۳۲} اما دادگاه‌های لبنان در قضایای بعدی مقرر نمودند که مفهوم تروریسم شامل وسایل غیر مندرج در ماده ۳۱۴ نمی‌شود؛ مگر آنکه این وسایل فی‌الذات از حیث تأثیرشان در ایجاد خطر عمومی مشابه وسایل تصریح شده در ماده ۳۱۴ باشند. وسایل یا ابزاری که مطابق این رویکرد تحت شمول ماده ۳۱۴ قرار نمی‌گیرند شامل تفنگ، تفنگ خودکار یا شبه خودکار، هفت‌تیر، چاقو و حتی شاید بمب جاسازی شده در یک نامه هستند. دادگاه لبنان برای مبنای در قضیه قتل شیخ نزار الحلبي، عملی را که حسب بیشتر قوانین ملی و معاهدات بین‌المللی تروریستی بود، فقط به عنوان قتل توصیف نمود.^{۳۳} در این قضیه شیخ نزار در ۳۱ اوت ۱۹۹۵ در حالی که از خانه خود برای رفتن به دفترش در بیروت خارج می‌شد، توسط یک مرد نقابدار به وسیله کلاشنیکف در روز روشن در یک خیابان پرجمعیت به قتل رسید. علت قتل شیخ نزار این بود که وی رهبر جنبش الاحباش بود که به زعم قاتل - که خود از اعضای جنبش وهابی بود - مخالف آموزه‌های اسلام و خلاف قرآن عمل می‌کردند. مع‌هذا مطابق نظر دادگاه قتل وی در زمره اعمال تروریستی قرار نگرفت چونکه مواد یا دستگاه‌های مورد استفاده از انواع برشمرده شده در ماده ۳۱۴ نبودند.^{۳۴}

بنابراین مطابق نظر دادگاه‌های لبنان، وسایلی که می‌توانند سبب بروز خطر عمومی شوند، فقط شامل وسایلی هستند که می‌توانند موجب آسیب رساندن به قربانیان بی‌گناهی شوند که مشخصاً مورد هدف قرار نگرفته‌اند و فقط نظر به اینکه به طور اتفاقی در محل ارتكاب عمل تروریستی حضور داشته‌اند، برحسب تصادف آسیب دیده‌اند.^{۳۵} حسب این تفسیر از ماده ۳۱۴، حمله به رییس جمهور یا نخست وزیر یا اشخاص برخوردار از مصونیت دیپلماتیک از جمله سفرا و دیپلمات‌های در حال انجام خدمت در یک کشور یا سفرای آکرديته و همچنین

³¹ Court of Justice, Rachid Karami case, decision no 2/1999, 25 June 1999, available on the STL website.

³² *STL Decision*, para. 51.

³³ Court of Justice, Assassination of Sheikh Nizar Al-Halabi, decision no 1/1997, 17 January 1997, available on the STL website.

³⁴ *STL Decision*, para. 52.

³⁵ *Ibid*, para. 53.

همسران و خانواده‌های آنها، در زمره اعمال تروریستی جای نمی‌گیرند، مادامی که این حملات با وسایلی ارتکاب یافته باشند که فی‌الغالب نمی‌توانند برای عموم مردم یا واضح‌تر بگوییم اشخاص ثالث قربانی اعمال تروریستی - مانند رهگذران، حضار و غیره که به هیچ وجه قصد مداخله آنها در این اعمال در کار نبوده است - سبب بروز خطر شوند.^{۳۶}

چنین استدلال شده است که تفسیر مضیق از «وسایل ارتکاب اعمال تروریستی»، در حقیقت تعریف گسترده تروریسم در قوانین لبنان را تعدیل می‌کند. کافی است که به قضیه فتیح اشاره شود. در جریان این قضیه، دادگاه لبنان در تصمیم مورخ ۱۶ نوامبر ۱۹۵۳ خود، اقدام مرد جوانی که پدر همسر آینده خود را به وحشت انداخته بود تا وی به ازدواج دخترش با این مرد تن در دهد، را در زمره اعمال تروریستی جای داد. در اینجا قصد عمل تروریستی فقط پیگیری یک درخواست شخصی یعنی ازدواج مرد جوان با دختر قربانی بود.^{۳۷ و ۳۸}

افزون بر این دادگاه‌های لبنان یک عمل تروریستی را قابل مجازات می‌دانند؛ ولو اینکه هدف مورد نظر فیزیکی‌اش هم به دست نیاید. برای نمونه تصور کنید فردی بمبی را زیر ماشین یک رهبر سیاسی جاسازی کرده است اما این بمب پیش از موعد و قبل از آنکه فردی سوار یا حتی نزدیک ماشین شود، منفجر می‌شود.^{۳۹}

۲- لزوم تفسیر قوانین کیفری لبنان در پرتوی حقوق بین‌الملل

چنان‌که ملاحظه شد، تعریف تروریسم در نظام حقوقی لبنان جامع و مانع به نظر نمی‌رسد. این تعریف، جامع نیست چونکه با رویکرد حصری دادگاه‌های لبنان نسبت به وسایل ارتکاب اعمال تروریستی، عملاً مصادیق زیادی خارج از تعریف تروریسم جای می‌گیرند. این تعریف همچنین مانع هم به نظر نمی‌آید؛ چونکه حتی درخواست‌های شخصی هم می‌توانند قصد ارتکاب عمل تروریستی باشد. به همین علت شعبه تجدیدنظر دادگاه ویژه لبنان لازم دانست که مفهوم جنایت تروریسم مندرج در قوانین لبنان - به خصوص از حیث وسیله ارتکاب جرم - توسعه یابد و به همین منظور از حقوق بین‌الملل یاری گرفت.

³⁶ *Ibid*, para. 54.

³⁷ *Ibid*, para. 55.

³⁸ Court of cassation, decision no 334, 16 November 1953, in S. Alia (ed.), *Mawsouat al-hadat al-jaza'lya li kararar wa ahkam mahkamat al tamyiz fi ishrin aman mounzou iadat insha'lha 1950-1970* [Encyclopedia of the criminal judgments and decisions of the court of cassation in the twenty years since its re-creation 1950-1970], 2nd ed., (Beirut: Al-mou'assassa al-jami'iya lil dirassat wal nasher wal tawzi', 1993), at 114.

³⁹ *STL Decision*, para. 56.

شعبه تجدیدنظر ضمن احترام به رویه لبنان در خصوص قضایای تروریستی مطروح در دادگاه‌های لبنان، لازم می‌داند که منحصر به فرد بودن و بعد فراملی جرم تروریسم در حال رسیدگی در دادگاه ویژه را مدنظر قرار دهد و به این نکته توجه نماید که شورای امنیت این اقدام‌های ارتكابی را در زمره اعمال تروریستی بین‌المللی بسیار فاحش دانسته، و به همین علت دادگاهی بین‌المللی تأسیس نموده است. افزون بر این خاطرنشان می‌سازد که تعریف تروریسم حتی در قانون مجازات لبنان نیز موسع‌تر از رویه قضایی لبنان است. در حالی که دادگاه‌های لبنان بر این باورند که یک حمله تروریستی باید از یکی از طرق برشمرده شده در قانون مجازات ارتكاب یافته باشد، خود قانون مجازات اظهار داشته که فهرست ارائه شده تمثیلی است و حصری نیست و بنابراین حسب اوضاع و احوال هر قضیه ممکن است مثلاً به وسیله سلاح دستی و غیره ارتكاب یابد. تنها شرط لازم این است که وسیله مورد استفاده برای ارتكاب عمل تروریستی قادر به ایجاد وحشت متعارف باشد خواه این وحشت از طریق آسیب رساندن به افراد حاضر باشد، و یا از طریق دامن زدن به خشونت بیشتر در شکل و شمایل رفتارهای انتقام‌جویانه یا برهم زدن ثبات سیاسی ایجاد شود. به زعم شعبه تجدیدنظر، تفسیر اخیر از قانون لبنان به نحو بهتری، عملیات‌های تروریستی حال حاضر را تحت شمول قرار می‌دهد و بیشتر قوانین لبنان را با حقوق بین‌الملل مرتبط - که نسبت به لبنان لازم‌الاتباع است - همسو می‌سازد.^{۴۰}

نتیجه آنکه به رغم آنکه دادگاه در خصوص مفهوم اعمال تروریستی باید ماده ۳۱۴ قانون مجازات لبنان را مدنظر قرار دهد، مع‌هذا ساختار قوانین لبنان، شعبه تجدیدنظر را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که در زمان تفسیر ماده ۳۱۴ و سایر مقررات قانون مجازات لبنان، نباید از حقوق بین‌الملل لازم‌الاتباع برای لبنان غافل ماند.^{۴۱} از این رو است که شعبه تجدیدنظر در ادامه قرار اعدادی خود به بررسی حقوق بین‌الملل لازم‌الاتباع برای لبنان در حوزه اعمال تروریستی می‌پردازد.

۲-۱- بررسی حقوق بین‌الملل معاهداتی

در بادی امر حقوق بین‌الملل معاهداتی مدنظر قرار گرفت. در این حوزه، تنها معاهده بین‌المللی که به تصویب لبنان رسیده، کنوانسیون عربی منع تروریسم مورخ ۲۲ آوریل ۱۹۹۸ است که

⁴⁰ *Ibid*, p. 3.

⁴¹ *Ibid*, para. 147.

تعریف موسعی از تروریسم به دست داده است. وجه تمیز این کنوانسیون با سایر کنوانسیون‌هایی که مقرراتی در خصوص معاضدت قضایی دارند، نظیر کنوانسیون ژنوسید ۱۹۴۸ یا کنوانسیون ضد شکنجه ۱۹۸۴، در این نکته نهفته است که کنوانسیون‌های اخیر طرفین عضو را متعهد می‌کنند که تعریف کنوانسیون از جرم مربوط را در نظام‌های حقوقی داخلی خود ملحوظ نمایند. حال آنکه کنوانسیون عربی با هدف معاضدت قضایی مبادرت به تعریف تروریسم نموده، و قصد نداشته است که دولت‌های عضو، تعریف این کنوانسیون از تروریسم را در نظام حقوقی خود وارد نمایند. در عوض، کنوانسیون عربی دولت‌های عضو را به معاضدت در مبارزه علیه اشکال تروریسم مورد تعریف کنوانسیون متعهد می‌نماید؛ و توأمان دست آنها را در مبارزه علیه تروریسم حسب قوانین داخلی خودشان باز می‌گذارد.^{۴۲}

بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون پیشگفته، تروریسم را اینگونه تعریف نموده است:

«هر عمل یا تهدید خشونت‌آمیزی که، صرف‌نظر از انگیزه‌ها و اهداف آن، در پیشبرد یک عمل مجرمانه فردی یا جمعی روی می‌دهد و درصدد پراکندن بذر ترس در میان مردم، ایجاد خوف از طریق خسارت زدن به آنها، یا در معرض خطر افکندن جان، آزادی یا امنیت آنان است، یا درصدد خسارت زدن به محیط زیست یا به تأسیسات یا اموال عمومی یا خصوصی، یا اشغال یا مصادره آنها است یا درصدد به مخاطره انداختن منابع ملی است.»^{۴۳}

علاوه بر این بند ۳ ماده ۱ «جنایت تروریسم» را این‌گونه تعریف نموده است:

«هر جرم یا شروع جرمی که در جهت هدف تروریستی، در هر یک از دولت‌های عضو یا علیه اتباع، اموال یا منافع آنها ارتکاب یابد که توسط حقوق داخلی آنها قابل مجازات است...»

در ماده ۲ این کنوانسیون، «هرگونه مبارزه با هر وسیله‌ای که باشد، از جمله مبارزه‌های مسلحانه علیه اشغال بیگانگان، نقض آزادی و تعیین سرنوشت، که با اصول حقوق بین‌الملل منطبقند، نباید به منزله جرم انگاشته شود. این مقرر نه‌باید در خصوص هر عملی که تمامیت ارضی هر دولت عرب را به مخاطره می‌اندازد، اعمال شود.»

⁴² *Ibid*, para. 64.

⁴³ “The Arab Convention for the Suppression of Terrorism”, adopted by the Council of Arab Ministers of the Interior and the Council of Arab Ministers of Justice. Cairo, April 1998, <http://www.al-bab.com/arab/docs/league/terrorism98.htm>.

با مقایسهٔ تعریف تروریسم در قانون مجازات لبنان و کنوانسیون عربی باید گفت که نسبت این دو تعریف به یکدیگر عموم و خصوص من وجه است. به دیگر سخن از یک سو هر دو تعریف قصد خاص (یعنی پراکندن ترس و وحشت) را برای ارتکاب این جرم لازم دانسته‌اند. اما از سوی دیگر، تعریف کنوانسیون عربی به دلیل عدم تصریح به وسایلی خاص برای ارتکاب این جرم، از ماده ۳۱۴ موسع‌تر است. در آن سوی معادله، ماده ۳۱۴ میان اعمال تروریستی در زمان صلح و جنگ تفاوتی قائل نشده است؛ حال آنکه کنوانسیون عربی اعمالی را که در جریان مبارزه‌های آزادی‌خواهانهٔ ملی صورت می‌گیرد - مشروط به اینکه علیه دولت عربی نبوده باشد - از دامنهٔ شمول تعریف اعمال تروریستی استثناء نموده است.^{۴۴}

۲-۲- بررسی حقوق بین‌الملل عرفی

پس از بررسی حقوق بین‌الملل معاهداتی، نوبت به بررسی حقوق بین‌الملل عرفی می‌رسد. در این مرحله شعبهٔ تجدیدنظر، نخست تصریح می‌کند که به زعم دادستان، در حال حاضر در حقوق بین‌الملل عرفی، هیچ تعریف مستقیری از تروریسم وجود ندارد. اما پس از صدور قرار اعدادی خاطر نشان می‌سازد که به رغم نظر بسیاری از حقوقدانان، تدقیق در حقوق بین‌الملل عرفی از ظهور تدریجی این تعریف حکایت دارد. مطابق نظر دادگاه، معاهدات، قطعنامه‌های شورای امنیت و رویه‌های قانونی و قضایی دولت‌ها مؤید ظهور یک باور عمومی کلی در جامعهٔ بین‌المللی نسبت به این امر هستند و رویهٔ هماهنگ با این باور بیانگر آن است که یک قاعدهٔ حقوق بین‌الملل عرفی در خصوص جنایت بین‌المللی تروریسم حداقل در زمان صلح، شکل گرفته است. به زعم دادگاه، این قاعدهٔ عرفی واجد سه عنصر است:

۱. ارتکاب یک عمل مجرمانه (نظیر قتل، آدم‌ربایی، گروگانگیری، آتش‌سوزی عمدی و غیره)؛
۲. قصد پراکندن خوف و وحشت در میان مردم - که به طور معمول به ایجاد خطر عمومی می‌انجامد - یا اجبار مستقیم یا غیرمستقیم مقام‌های ملی یا بین‌المللی به انجام اقدام‌هایی یا خودداری از انجام آن؛
۳. زمانی که عمل، واجد یک عنصر فراملی^{۴۵} است.^{۴۶}

⁴⁴ *STL Decision*, paras. 68-70.

⁴⁵ Transnational

باید توجه داشت که در کنار مفهوم تروریسم بین‌المللی، جنایات تروریسم داخلی قرار دارند که از حیث

پس از آن شعبه تجدیدنظر با برشمردن عناصر مادی و معنوی لازم برای شکل‌گیری یک قاعده عرفی، درصدد آن برآمده است تا نتیجه‌گیری خود مبنی بر ظهور یک قاعده عرفی را توجیه کند. به طور نمونه دادگاه در ادامه فرازهایی از گزارش دولت ایران به کمیته ضد تروریسم را یادآور شده که اظهار داشته است: «جای هیچ‌گونه تردیدی نیست که توافق مشترکی در خصوص ضرورت^{۴۶} مبارزه با تروریسم بین‌المللی در تمامی اشکال آن و صرف‌نظر از انگیزه‌ها، مرتکبان و قربانیان آن، بر مبنای حقوق بین‌الملل^{۴۷} وجود دارد.»

برنامه‌ریزی، اجرا و دایره تأثیرگذاری‌شان کاملاً داخلی هستند. بنابراین عنصر فراملی از آن جهت شرط لازم است که این دو مفهوم از یکدیگر تفکیک شوند. مع‌هذا باید به خاطر داشت چه بسا جرائم کاملاً داخلی نیز از نظر شدت آسیب‌های انسانی و اجتماعی مشابه موارد فراملی باشند. نبود عنصر فراملی در تعریف جنایت تروریسم داخلی مندرج در غالب قوانین کیفری کشورها باعث نمی‌شود که به اجماع لازم راجع به مفهوم تروریسم در حقوق کیفری بین‌المللی و داخلی خدشه‌ای وارد شود. نک:

STL Decision, para. 90.

⁴⁶ *Ibid*, para. 85.

⁴⁷ *Report to the Counter-Terrorism Committee (Iran)*, 27 December 2011, S/2001/1332.

شایان ذکر است که جمهوری اسلامی ایران تا به حال پنج مرتبه به کمیته ضد تروریسم گزارش داده است. ایران در نخستین گزارش خود به تاریخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۱، به عنوان یکی از قربانیان تروریسم بر اتخاذ رویکردی جهانی و فراگیر برای مبارزه با تروریسم تأکید نموده است. ایران در ادامه، قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت را به منزله نخستین گام در مسیر مبارزه با تروریسم بین‌المللی ارزیابی نموده، و خود را متعهد به همکاری با کمیته ضد تروریسم دانسته است. پس از آن به ترتیب مختصری از اقدام‌های اجرایی (همانند ایجاد کمیته ملی برای جامه عمل پوشاندن به این قطعنامه، بستن فوری مرزهای مشترک خود با افغانستان پس از حملات ۱۱ سپتامبر) و راهکارهای تقنینی (همانند عضویت در کنوانسیون جرائم و سایر اعمال ارتكابی در داخل هواپیما مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۶۳، کنوانسیون سرکوب تصرف غیرقانونی هواپیما مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۷۰، کنوانسیون سرکوب اعمال غیرقانونی برضد ایمنی هواپیمایی کشوری مصوب ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۱، کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص تحت حمایت بین‌المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک مصوب ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹، پروتکل سرکوب اعمال غیرقانونی خشونت‌آمیز در فرودگاه‌های مورد استفاده هوانوردی بین‌المللی کشوری، الحاقی به کنوانسیون اعمال غیرقانونی علیه ایمنی هواپیمایی کشوری مصوب ۲۴ فوریه ۱۹۸۸) مورد اشاره قرار گرفته‌اند. نک:

Report of the Islamic Republic of Iran to the Counter-Terrorism Committee pursuant to paragraph 6 of Security Council resolution 1373 (2001) of 28 September 2001, S/2001/1332.

لازم به ذکر است که حسب این گزارش، ایران در بُعد قانونگذاری، قوانین موجود خود را برای تسهیل اجرای این قطعنامه کافی اعلام داشته، و مع‌الوصف وزارت دادگستری ایران مسؤول بررسی خلأهای احتمالی برای مبارزه با تروریسم شده است. نک:

به زعم شعبه، صرف‌نظر از عنصر سوم یعنی فراملی بودن عمل، قوانین ملی اغلب دولت‌ها به نحو یکسان یا حداقل به شکل مشابهی تروریسم را تعریف می‌کنند. قوانین داخلی

←
Supplementary report of the Islamic Republic of Iran to the Security Council Counter-Terrorism Committee pursuant to paragraph 6 of Security Council resolution 1373 (2001), 19 February 2003, S/2003/266.

گزارش‌های بعدی ایران به کمیته در سال‌های ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷ در قالب پاسخ به پرسش‌هایی ارائه شده‌اند که به فراخور بندهای مختلف قطعنامه تنظیم شده بودند و پاسخ ایران را به این پرسش‌ها تشریح می‌کرد. برای نمونه در گزارش ۲۰۰۳، ایران در خصوص جرم‌انگاری اعمال تروریستی به مواد ۱۸۳، ۴۹۸، چهارصد و نودونه، پانصدوهفت، پانصدودوازده و ششصدوه قانون مجازات اسلامی اشاره کرده است.

در گزارش ۲۰۰۴، این کشور خود اعلام داشته که لایحه ضد تروریسم در تاریخ ۱۹ نوامبر ۲۰۰۳ توسط هیأت وزیران نهایی شده، و برای تصویب به مجلس فرستاده شده است. ایران همچنین اظهار داشته که لایحه کنوانسیون بین‌المللی ضد گروگانگیری ۱۹۷۹ نیز در هیأت وزیران نهایی شده و برای بررسی به مجلس فرستاده شده است. علاوه بر این هیأت وزیران در حال بررسی سه کنوانسیون ذیل است:

(۱) کنوانسیون بین‌المللی منع تأمین مالی تروریسم ۱۹۹۹؛

(۲) کنوانسیون سرکوب اعمال غیرقانونی ضد ایمنی کشتیرانی دریایی ۱۹۸۸؛

(۳) پروتکل سرکوب اعمال غیرقانونی ضد ایمنی سکوهاى ثابت مستقر در فلات قاره ۱۹۸۸.

Answers to questions 1.2 to 2 of the letter dated 10 October 2003 on the consideration of the Government of the Islamic Republic of Iran with regard to the implementation of the Resolution 1373, 3 March 2004, S/2004/215, p. 8.

در قانون «مبارزه با تأمین مالی تروریسم» که در تیرماه ۱۳۹۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، «ارتکاب یا تهدید به ارتکاب هرگونه جرم یا اقدام خشونت‌آمیز از قبیل قتل، سوء قصد، اقدام خشونت‌آمیز منجر به آسیب جسمانی شدید، ربودن، توقیف غیرقانونی و گروگان‌گیری اشخاص و یا اقدام خشونت‌آمیز آگاهانه علیه افراد دارای مصونیت قانونی یا به مخاطره انداختن جان یا آزادی آنها به قصد تأثیرگذاری بر خط مشی، تصمیمات و اقدامات جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و یا سازمان‌های بین‌المللی دارای نمایندگی در خاک ایران» را (در کنار فهرستی از موارد دیگر) جزء اعمال تروریستی هستند که تأمین مالی برای آنها جرم محسوب می‌شود (نک بند الف ماده ۱). تبصره‌ی دوم ذیل همین ماده مقرر می‌دارد: «اعمالی که ملت‌ها یا گروه‌ها یا سازمان‌های آزادی‌بخش برای مقابله با سلطه، اشغال خارجی، استعمار و نژادپرستی انجام می‌دهند، از مصادیق اقدامات تروریستی موضوع این قانون نمی‌باشد. تعیین مصادیق گروه‌ها و سازمان‌های مشمول این تبصره، به عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی است.»

<http://isna.ir/fa/news/94043116343/%D9%84%D8%A7%DB%8C%D8%AD%D9%87-%D9%85%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D8%B2%D9%87-%D8%A8%D8%A7-%D8%AA%D8%A3%D9%85%DB%8C%D9%86-%D9%85%D8%A7%D9%84%DB%8C-%D8%AA%D8%B1%D9%88%D8%B1%DB%8C%D8%B3%D9%85-%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD>

همانگ خود نشانه دیگری از ظهور یک قاعده عرفی است. دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در زمان احراز تعریف تجاوز جنسی چنین نتیجه گرفت که «لازم است که اصول مشترک حقوق کیفری در اغلب نظام‌های حقوقی جهان مورد بررسی قرار گیرند؛ آن هم اصولی که با احتیاط تمام از قوانین ملی استخراج شده‌اند.»^{۴۸} نباید فقط به یک نظام حقوقی ملی، مثلاً کامن‌لا یا حقوق نوشته مراجعه شود؛^{۴۹} البته استخراج یک هنجار مشترک، مستلزم بررسی تمامی نظام‌های حقوقی جهان هم نیست.^{۵۰}

پس از این به تعدادی از آرای محاکم ملی^{۵۱} اشاره می‌کند که در آنها بر وجود جرم تروریسم در چارچوب حقوق بین‌الملل عرفی صحنه گذاشته شده است. شعبه تجدیدنظر این‌گونه ادامه می‌دهد که «حتی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه لوتوس نیز، که دیدگاهی اراده‌گرا از عرف را به کار بسته، بر اهمیت تصمیم‌های محاکم ملی انگشت تأکید نهاده است.»^{۵۲}

دادگاه به رغم اذعان به اهمیت این آرای قضایی به عنوان مبین دیدگاه‌های حقوقی محاکم مختلف، خاطر نشان می‌سازد که «برای آنکه سایه هرگونه تردید در مورد تبلور یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل مرتفع شود، باید سایر عناصر را نیز بررسی نمود. به طور ویژه، باید به رفتار دولت‌ها نگرست؛ رفتاری که از رهگذر توافق در مورد معاهدات بین‌المللی که از دامنه معاهداتی خود فراتر می‌روند یا تصویب قطعنامه توسط نهادهای مهم بین‌الدولی نظیر سازمان ملل، و همچنین قانونگذاری داخلی دولت‌ها و تصمیم‌های محاکم ملی تبلور می‌یابد.»^{۵۳}

شعبه تجدیدنظر در ادامه می‌افزاید «معهدا، صرف وجود قوانین همانگ، وجود یک قاعده عرفی را به اثبات نمی‌رساند، چون که چه بسا این امر تنها از دیدگاه مشابهی نشأت گرفته باشد که دولت‌ها آزادانه آن را بر می‌گزینند و در هر لحظه می‌توانند آن را تغییر دهند. بنابراین برای مثال، این حقیقت که تمامی دولت‌های جهان از مجرای مقررات خود، مبادرت

⁴⁸ ICTY, Furundzija, Trial Judgment, 10 December 1998 ("Furundzija TJ"), para. 177.

⁴⁹ ICTY, Furundzija TJ, para. 178; ICTY, Kunarac et al, Trial Judgment, 22 February 2001, para. 439.

⁵⁰ ICTY, Erdemovic, Appeals Judgment, Separate Opinion of Judges McDonald and Vohrah, 7 October 1997, para. 57.

⁵¹ *Suresh v Canada (Minister of Citizenship and Immigration)*, 2002 SCC I, [2002] S.C.R. 3, paras. 96 and 98. Cass. crim., sez. I, 17 January 2007, n. 1072, para. 2.1. Mexico, Supreme Court, *Cavallo* Case, No. 140/2002, 0 June 2003, p. 392.

⁵² *STL Decision*, para. 99.

⁵³ *Ibid*, para. 87.

به مجازات قتل می‌کنند، به این نتیجه منتهی نمی‌شود که قتل به یک جرم بین‌المللی مبدل شده است. برای تبدیل به یک جرم بین‌المللی، یک جرم داخلی ضرورتاً باید از منظر جامعه جهانی به عنوان تعرض به ارزش‌های جهانی (نظیر صلح یا حقوق بشر) یا ارزش‌های واجد اهمیت بسیار در آن جامعه قلمداد شود؛ علاوه بر این لازم است که دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی، از مجرای اعمال و اعلامیه‌های خود، و از طریق ابراز صریح این نظر که جامعه جهانی این جرم را به عنوان جنایت بین‌المللی منظور می‌کند، این رفتار را محکوم نمایند.^{۵۴} با این حال به زعم دادگاه در مورد تروریسم ما شاهد چیزی فراتر از هماهنگی صرف قوانین هستیم. شورای امنیت در عمل حسب فصل هفتم منشور ملل متحد، به دولت‌های عضو دستور داده که مبادرت به تصویب قوانین مرتبط با تروریسم نمایند، کنوانسیون‌های بین‌المللی اخیر ضدتروریستی را تصویب کنند و در مورد تدابیر متخذه برای انطباق قوانین ملی با هنجارهای بین‌المللی در این زمینه به طور متناوب و دوره‌ای به کمیته ضد تروریسم شورا گزارش دهند. در ده سال گذشته بسیاری از دولت‌ها مبادرت به این اقدام‌ها نموده‌اند.^{۵۵}

دادگاه سپس به رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری اشاره داشته، خاطرنشان می‌نماید که دیوان در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی در نیکاراگوئه، وجود اختلاف را برای ایجاد یک قاعده عرفی، مهملک ارزیابی نکرده، برعکس اظهار داشته که رویه باید به طور کلی با این قاعده سازگار باشد.^{۵۶}

افزون بر این، دادگاه تصمیم‌های محاکم ملی را منعکس کننده باور عمومی نسبت به عناصر بنیادین جرم تروریسم می‌داند.^{۵۷} در بند بعدی، در پاسخ به شائبه احتمال واگرایی تصمیم‌های محاکم، از مکس سورنسن نقل قول نمود که هرگاه به یک رویه سازگار پی برده شود، در بادی امر باید فرض را بر وجود باور عمومی گذاشت؛ آنگاه اگر فردی به عنوان مثال درصدد انکار وجود آن قاعده عرفی برآمد، باید به مصالح یا دلایل نزاکتی یا سیاسی اشاره کرد

⁵⁴ *Ibid*, para. 91.

⁵⁵ *Ibid*, para. 92.

⁵⁶ *I.C.J. Reports*, 1986, *Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v United States)*, Judgment, p. 98, para. 186: "The Court does not consider that, for a rule to be established as customary, the corresponding practice must be in absolutely rigorous conformity with the rule."

«به زعم دیوان، برای آنکه قاعده‌ای عرفی محسوب شود، لازم نیست رویه متناظر کاملاً در انطباق دقیق با آن قاعده باشد.»

STL Decision, para. 100.

⁵⁷ *Ibid*, para. 100.

که موجب انکار قاعده عرفی شده‌اند.^{۵۸}

به زعم دادگاه بنابراین در مجموع تعدادی از معاهدات بین‌المللی، قطعنامه‌های سازمان ملل و عملکرد تقنینی و قضایی دولت‌ها، مؤید آن هستند که یک قاعده عرفی در خصوص جرم تروریسم در حقوق بین‌الملل ظهور کرده است. رویه مستقری در خصوص مجازات اعمال تروریستی وجود دارد که این رویه بر این باور دولت‌ها دلالت دارد که مجازات اعمال تروریستی واکنش به یک نیاز اجتماعی است.

۳- چارچوب رسیدگی به جنایت تروریسم در دادگاه ویژه لبنان

شعبه تجدیدنظر در پاسخ به پرسش‌های مطروح از سوی قاضی مقدماتی تصریح می‌کند که ماده ۳۱۴ قانون مجازات لبنان باید در راستای حقوق بین‌الملل تفسیر شود و بنابراین شامل عناصر ذیل است:

الف. ارتکاب عمدی یک اقدام؛

ب. از طریق وسایلی که می‌توانند خطر عمومی ایجاد کنند؛ و

ج. قصد مرتکب مبنی بر پراکندن حالت وحشت و خوف.^{۵۹}

شایان ذکر است که جنایت تروریسم، در حقوق بین‌الملل عرفی و قانون مجازات لبنان از دو حیث متفاوتند. نخست آنکه مطابق حقوق بین‌الملل عرفی اقدام ارتكابی می‌باید جرم باشد که این بدان معناست که علاوه بر قصد خاص لازم برای ارتکاب جنایت تروریسم، باید قصد لازم برای آن جرم نیز وجود داشته باشد. حال آنکه مطابق قانون مجازات لبنان، نتیجه اعمال تروریستی از قبیل قتل، تخریب اموال و سایر موارد مندرج در ماده ۶ قانون ۱۱ ژانویه ۱۹۵۸،^{۶۰} یک عامل مشدده برای ارتکاب اقدام تروریستی محسوب می‌شوند و عنصر مادی جرم به حساب نمی‌آیند. بنابراین در قضایای مطروح در دادگاه، دادستان علاوه بر قصد خاص جنایت تروریسم (یعنی پراکندن وحشت و خوف) فقط باید ثابت کند که اقدام عامدانه بوده

⁵⁸ M. Sorensen, "Principes de droit international public", Recueil des Cours de l'Academie de La Haye, 1976-III, p. 51; quoted in *STL Decision*, para. 101.

⁵⁹ *STL Decision*, para. 147.

⁶⁰ ماده ۶ قانون ۱۱ ژانویه ۱۹۵۸: مجازات هر اقدام تروریستی، حبس ابد با اعمال شاقه است. در جایی که عمل تروریستی باعث مرگ یک یا چند نفر، تخریب کلی یا جزئی ساختمانی که یک یا چند نفر درون آن هستند، تخریب کلی یا جزئی یک ساختمان عمومی یا واحد صنعتی، کشتی یا سایر تجهیزات یا اختلال در عملکرد خدمات ارتباطی یا مواصلاتی شود، مجازات آن اعدام است.

است.

دوم آنکه مطابق قانون مجازات لبنان، وسیله مورد استفاده برای ارتکاب عمل تروریستی باید به گونه‌ای باشد که عموم را به خطر اندازد.^{۶۱} شعبه تجدیدنظر با عنایت به فهرست غیر حصری ماده ۳۱۴ و همچنین بستر و اوضاع و احوال جرم ارتكابی، به طور ویژه خاطر نشان می‌سازد که تصمیم‌گیری در خصوص اینکه وسیله‌ای می‌تواند موجب پراکندن وحشت و خوف در چارچوب ماده ۳۱۴ شود یا نه، باید همواره مورد به مورد صورت گیرد. بدین ترتیب احتمال اینکه ماده ۳۱۴ در راستای تعهدات بین‌المللی لازم‌الاتباع برای لبنان تفسیر شود، بیشتر خواهد بود.^{۶۲}

۴- رویکرد دادگاه ویژه لبنان در ترازوی نقد و بررسی

هرچند مدت زمان زیادی از اعلام نظر شعبه تجدیدنظر درباره مفهوم تروریسم بین‌المللی نمی‌گذرد، اما این تصمیم دادگاه با واکنش‌های زیاد و متفاوتی در میان حقوقدانان مواجه شده است.

در میان موافقان، اظهارنظرهای آقای کسسه بیش از سایرین جلب توجه می‌کند؛ چون که وی حتی پیش از اتخاذ تصمیم شعبه تجدیدنظر نیز از ظهور عرف بین‌المللی در مورد تعریف تروریسم طرفداری می‌نمود. به باور کسسه «در حقیقت یک قاعده عرفی در مورد عناصر ذهنی و عینی جرم تروریسم بین‌المللی در زمان صلح تکوین یافته است.»^{۶۳} وی در ادامه به تصویب قوانین ملی همگرا، صدور آرای محاکم ملی، قطعنامه‌های مجمع عمومی و همچنین تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی توسط شمار کثیری از دولت‌ها، به عنوان اماره‌ای دال بر وجود چنین قاعده عرفی یاد می‌کند.^{۶۴} به زعم کسسه تروریسم بین‌المللی به عنوان یک جنایت بین‌المللی خاص در زمان صلح واجد مؤلفه‌های ذیل است:

⁶¹ *Ibid*, para. 145.

⁶² *Ibid*, fn. 253.

⁶³ Cassese, "The Multifaceted Criminal Notion of Terrorism in International Law", p. 935. کاسسه پیش از این نیز نظر مشابهی را اعلام داشته بود، بی‌آنکه استدلال بیشتری در این خصوص ارائه کند: «به عقیده من، حداقل با اطمینان می‌توان ادعا کرد که تروریسم فراملی، دولت-محور یا دولت-حامی یک جرم بین‌المللی به شمار می‌رود و قبلاً نیز از سوی حقوق بین‌الملل عرفی به عنوان یک دسته خاص از جرائم بین‌المللی به حساب آمده است.» نک: کاسسه، «تروریسم برهم زنده دسته‌بندی‌های حقوقی حقوق کیفری بین‌المللی»، ۵۶.

⁶⁴ *Ibid*.

۱. اقدامی است که به طور معمول در نظام‌های حقوقی ملی جرم‌انگاری شده است؛
۲. واجد خصیصه‌ای فراملی است، به دیگر سخن عمل یا اجرای آن تنها محدود به یک کشور نمی‌شود؛
۳. با هدف تهدید یک دولت یا جامعه بین‌المللی به انجام یا خودداری از انجام امری صورت می‌گیرد؛
۴. برای این منظور به دو شکل ممکن انجام می‌شوند: یا با وحشت‌پراکنی میان شهروندان یا با حمله به مؤسسات عمومی یا شخصی یا نمایندگان آنها؛ و
۵. انگیزه چنین اقدامی، نه اغراض شخصی بلکه انگیزه‌های ایدئولوژیکی یا سیاسی است.^{۶۵}

باید متذکر شد که برخی از نویسندگان برای منظور نمودن تروریسم در زمره جنایات بین‌المللی، دو گزینه ارائه نموده‌اند: نخست آنکه تروریسم در ذیل جرائم علیه بشریت جای گیرد؛^{۶۶} دیگر آنکه گفته شود که جرم بین‌المللی تروریسم به تدریج در حال ظهور است. در این مورد نیز به طور مثال کسسه معتقد است که تروریسم بین‌المللی در زمان صلح می‌تواند در زمره جنایات علیه بشریت قلمداد شود. البته این امر مشروط بر این است که حملات گسترده و سازمان‌یافته‌ای علیه شهروندان صورت گرفته باشد - ولو اینکه اقدام‌های تروریستی علیه مقام‌های رسمی یا حتی رزمندان بوده باشند - و همچنین اقدام‌ها در قالب اعمال مجرمانه خاصی همانند کشتار، ایجاد رنج بسیار یا ایراد آسیب شدید جسمی یا ذهنی، شکنجه، تجاوز یا ناپدید شدن اجباری، بوده باشند.^{۶۷}

در آن سوی معادله منتقدان بر این نکته انگشت تأکید نهاده‌اند که مخالفت با دادگاه در خصوص وجود یک قاعده عرفی مبنی بر تعهد دولت‌ها به جلوگیری و مقابله با تروریسم در چارچوب اصل صلاحیت سرزمینی هر دولت، امری بس دشوار است؛ اما این موضوع از مقوله احتساب تروریسم به عنوان یک جنایت بین‌المللی^{۶۸} کاملاً متمایز است.^{۶۹} ضمناً خاطر نشان

⁶⁵ *Ibid*, 957.

⁶⁶ Di Filippo, "Terrorist Crimes and International Co-operation: Critical Remarks on the Definition and Inclusion of Terrorism in the Category of International Crimes", pp. 565-566.

⁶⁷ Cassese, *op. cit.*, 957.

⁶⁸ تکلیف دولت‌ها به محاکمه یا استرداد و مهم‌تر از آن ایجاد «صلاحیت جهانی» از اجلی نتایج و آثار احتساب یک جرم در طبقه‌بندی جنایات بین‌المللی به شمار می‌رود. نک: عبدالهی، تروریسم حقوق بشر و

می‌کنند در حقیقت دادگاه خود نسبت به این امر واقف است که هر منعی که ریشه عرفی دارد خودبه خود به یک جنایت بین‌المللی مبدل نمی‌شود. حقوق بین‌الملل کیفری در حال حاضر میان جرائم معاهداتی صرف و جرائم بین‌المللی حقیقی تمیز قائل می‌شود. مطابق این دسته‌بندی، جرائم مندرج در مواد ۵ تا ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در زمره جنایات بین‌المللی حقیقی جای می‌گیرند. حال آنکه جرائم معاهداتی عمدتاً جرائمی فراملی هستند که موضوع کنوانسیون‌های بین‌المللی، نظیر کنوانسیون شکنجه سازمان ملل، قرار گرفته‌اند. وجه تفریق این دو از یکدیگر زمانی ملموس‌تر خواهد شد که توجه شود که جرائم معاهداتی تنها توسط دولت‌ها و در سطح داخلی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند؛ حال آنکه جرائم بین‌المللی حقیقی به تحقق مسؤولیت بین‌المللی کیفری فردی - در مقابل مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها - می‌انجامند.^{۷۰}

نکته دیگری که از سوی منتقدان مورد اشاره قرار گرفته آن است که درست است که هر دولتی در فرایند قانون‌گذاری خود، بنا بر خواست خود تعریفی از تروریسم بین‌المللی ارائه می‌کند؛ لیکن ماهیت تروریسم به ترتیبی است که در غالب موارد، مقابله با آن مستلزم همکاری دولت‌های متعدد است. در چنین حالتی چنانچه دولت‌های مختلف مفهوم مشترکی از تروریسم را در ذهن نداشته باشند چگونه کمر همت به دستگیری، مجازات و به طور کلی مقابله با تروریست‌های احتمالی ببندند.

به باور برخی دیگر نیز تصمیم شعبه تجدیدنظر صحیح نیست؛ چون که تمامی مبانی که احراز عرف بدان‌ها مستند شده (یعنی قوانین ملی، معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی و قطعنامه‌های شورای امنیت) یا به اشتباه تفسیر و تعبیر شده‌اند یا در مورد آنها مبالغه شده است. نتیجه آنکه حقوق بشر متهمان تحت استیلاي نظر دادگاه قرار می‌گیرد؛ نظری که از آن چیزی که باید حقوق باشد - و نه چیزی که هست - حکایت می‌کند. بدین ترتیب از این

حقوق بشردوستانه، ۸۸

⁶⁹ Ambos, "Judicial Creativity at the Special Tribunal for Lebanon: Is There a Crime of Terrorism under International Law?", 665.

⁷⁰ *Ibid*, 675.

برای مطالعه بیشتر در این خصوص، همچنین نک: میرمحمدی، «تأثیر تصویب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بر جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی در قوانین داخلی دولت‌ها و اعمال صلاحیت جهانی از سوی آنها»، ۱۴۴-۱۴۵.

منظر این تصمیم عواقب مطلوبی برای حقوق بین‌الملل یا اعتماد عمومی به نهادها و فرایندهای آن نخواهد داشت.^{۷۱} برای نمونه در خصوص استناد به قوانین ملی به عنوان یکی از امارات وجود عرف بین‌المللی گفته شده که دادگاه ویژه میان آن دست قوانین ملی که به تروریسم داخلی پرداخته‌اند و قوانینی که به تروریسم بین‌المللی معطوفند، تمایز قائل نشده است. در خود تصمیم شعبه، صرفاً تروریسم فراملی یک جرم عرفی است. به همین دلیل حقوق داخلی معطوف به تروریسم داخلی صرف نمی‌تواند قرینه‌ای باشد از اتفاق نظر گسترده بر سر مبارزه با تروریسم بین‌المللی.^{۷۲} این امر درست مثل این است که بگوییم چون هر کشوری قتل را در داخل قلمرویش ممنوع کرده، بنابراین قتل فراملی باید یک جرم عرفی بین‌المللی باشد.^{۷۳}

مطلب دیگری که به آن اشاره شده، دغدغه کمیسر عالی ملل متحد برای حقوق بشر است که از تعاریف ملی تروریسم اظهار نگرانی نموده است:

«بسیاری از قانونگذاران ملی تعاریفی مبهم، غیرمشخص یا بسیار موسع از تروریسم ارائه نموده‌اند. این تعاریف دوپهلوی منجر به محدودیت‌هایی نامناسب بر سر اعمال مشروع آزادی‌های بنیادین نظیر آزادی اجتماعات، بیان و مخالفت اجتماعی و سیاسی مسالمت‌آمیز، شده است ... برخی دولت‌ها فعالیت‌های غیر خشونت‌آمیز را در تعاریف ملی خود از تروریسم تحت شمول قرار داده‌اند. این امر در عمل به این خطر دامن می‌زند که اشخاص به دلیل اعمال حقوق خود در چارچوب حقوق بین‌الملل، آن‌هم به نحو مشروع و غیر خشونت‌آمیز مورد تعقیب قرار گیرند.»^{۷۴}

همان‌گونه که ملاحظه شد یکی دیگر از استدلال‌های شعبه تجدیدنظر معطوف به قطعنامه‌های شورای امنیت در مورد مبارزه با تروریسم است. در این میان بی‌تردید قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت، مرکز ثقل سایر فعالیت‌های شورا در مبارزه با تروریسم به شمار می‌رود. توضیح بیشتر آنکه در واکنش به حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و پیرو قطعنامه ۱۳۶۸ مورخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱، شورای امنیت در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ (۶ مهرماه ۱۳۸۰) مبادرت به صدور قطعنامه ۱۳۷۳ نمود. اگر بخواهیم اهم رؤوس قطعنامه ۱۳۷۳ را به اختصار بیان نماییم،

⁷¹ Saul, "Legislating from a Radical Hague: The United Nations Special Tribunal for Lebanon Invents an International Crime of Transnational Terrorism", 677.

⁷² *Ibid*, 681.

⁷³ *Ibid*, 682.

⁷⁴ *Ibid*, 684.

باید بگوییم در این قطعنامه:

۱. در دیباچه بار دیگر اعمال تروریستی بین‌المللی به عنوان یکی از مصادیق تهدید صلح و امنیت بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفته است؛
۲. شورا در ماده ۲ وفق اختیارات تفویض شده به آن و مشخصاً فصل هفتم منشور، تمامی دولت‌های عضو ملل متحد را موظف به جرم‌انگاری ارتکاب اعمال تروریستی نموده است؛ به دیگر سخن دولت‌ها باید تضمین کنند که هر شخصی که در تأمین مالی، برنامه‌ریزی، تدارک یا ارتکاب اعمال تروریستی یا حمایت از اعمال تروریستی مشارکت می‌کند، به پیشگاه عدالت آورده می‌شود و [دولت‌ها باید] تضمین کنند که علاوه بر هر گونه اقدام دیگری علیه این اشخاص، چنین اعمال تروریستی در قوانین و مقررات داخلی آنها به عنوان جرائم جدی منظور شده، مجازات معمول این جرائم، منعکس‌کننده میزان جدیت این دست اعمال تروریستی باشد؛
۳. شورای امنیت علاوه بر این از دولت‌ها خواسته است که از تأمین مالی اعمال تروریستی جلوگیری کنند؛
۴. در ماده ۳ به دولت‌ها گوشزد شده است که در اسرع وقت به عضویت کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی مرتبط با تروریسم، از جمله کنوانسیون بین‌المللی منع تأمین مالی تروریسم مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۹، دربیابند؛
۵. در ماده ۶ و ۷ مقرر شده است که کمیته‌ای متشکل از تمامی اعضای شورا تشکیل شود تا با کمک متخصصان ذی‌صلاح بر اجرای این قطعنامه نظارت داشته باشد؛ و متعاقباً از تمامی دولت‌ها درخواست شده است که ظرف ۹۰ روز از تاریخ تصویب این قطعنامه و پس از آن در ظرف زمانی پیشنهادی کمیته، در خصوص گام‌هایی که برای اجرای این قطعنامه برداشته‌اند، به کمیته گزارش دهند.^{۷۵}

^{۷۵} بررسی عملکرد کمیته ضد تروریسم مؤید آن است که ۱۹۱ دولت اولین گزارش خود را به کمیته ارائه نمودند و ۱۴۰ دولت در مرحله دوم نیز به پرسش‌های کمیته در خصوص گزارش اول پاسخ دادند. این در حالی است که تنها ۹۵ دولت به کمیته ناظر به اجرای قطعنامه ۱۲۶۷ (کمیته تحریم‌های القاعده و طالبان) گزارش دادند. این رابطه متقابل و مستمر دولت‌ها با کمیته و همچنین گزارش‌دهی متناوب به این نهاد موجب آن شده که طرفداران قطعنامه ۱۳۷۳، در پاسخ به منتقدینی که صدور این قطعنامه را قانون‌گذاری و در نتیجه این اقدام را خروج شورا از حیطه صلاحیتش به شمار می‌آورند، این رویه و اعلام

حال اگر به موضوع اصلی این نوشتار بازگردیم ذکر این نکته ضروری است که قطعنامه ۱۳۷۳ از تعابیری همچون تروریسم، تروریسم بین‌المللی، اعمال تروریستی و تروریست‌ها تعریفی به دست نداده است. در دستورالعملی که کمیته ضد تروریسم در سال ۲۰۰۹ برای اجرای هرچه بهتر قطعنامه ۱۳۷۳ ارائه نموده است اشاره شده که در سطح جهانی هیچ تعریف مورد توافقی از تروریسم وجود ندارد و لذا هر دولتی باید رویکردی بر مبنای چارچوب حقوق داخلی خود نسبت به این موضوع اتخاذ نماید.^{۷۶} حال حتی با فرض عدم تجاوز شورای امنیت از حیطة صلاحیت خود در صدور قطعنامه ۱۳۷۳^{۷۷} و صرف نظر از این اختلاف که عملکرد دولت‌ها در ایفای تعهدات سازمانی خود تشکیل دهنده عرف بین‌المللی است یا نه، حداکثر دستاورد قطعنامه و عملکرد کمیته ضد تروریسم انعکاس ضرورت مبارزه با تروریسم و اجماع جهانی در این خصوص است. بنابراین نمی‌توان پا را از این فراتر گذاشت و مدعی احراز عرف بین‌المللی - آن هم در تعریف یک جرم بین‌المللی - از این مجرا شد.

استناد به رویه دولت‌ها برای احراز عرف بین‌المللی نیز چندان خالی از اشکال نیست. انجمن حقوق بین‌الملل در ذیل مجموعه مدونی تحت عنوان «اصول حاکم بر شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی عام» اظهار نموده است:

«برای اینکه رویه دولت یک قاعده حقوقی عرفی را به وجود آورد، لازم است که آن

رضایت متعاقب را مبنای مناسبی برای توجیه جواز اقدام شورا اعلام نمایند. نک:

Wood, "The UN Security Council and International Law," 7-8.

^{۷۶} «شایان ذکر است که در سطح جهانی هیچ تعریف مورد توافقی از تروریسم وجود ندارد. لذا هر دولتی باید رویکردی بر مبنای چارچوب حقوق داخلی خود نسبت به این موضوع اتخاذ نماید. از منظر حقوق بشری، پرسش کلیدی در تدوین قانون این است که آیا تعریف «عمل تروریستی» دقیق است یا با خطر سوءاستفاده همراه است. اصل قانونی بودن ایجاب می‌کند که اعمالی که رفتار مجرمانه محسوب می‌شود، به نحوی آشکار در قانون وضع شوند تا به خاطیان بالقوه گوشزد شود و مجازات‌های کیفی به نحو خودسرانه مقرر نشوند...» نک:

Counter-Terrorism Committee Executive Directorate, *Technical guide to the implementation of Security Council resolution 1373 (2001)*, 25.

^{۷۷} نکته دیگری که از سوی حقوقدانان مورد تأکید قرار گرفته آن است که در حقیقت «جامعه بین‌المللی خصوصاً با قطعنامه ۱۳۷۳ اقدام‌هایی انجام داده است و تصمیم‌هایی نیز برای استقرار امنیت اتخاذ کرده است که بسیار بلندپروازانه به نظر می‌رسد، زیرا نه وسیله تحقق آن‌ها موجود است و نه اصولاً اراده‌ای برای محقق ساختن آن‌ها وجود دارد.» نک: فلسفی، *صلح جاودان و حکومت قانون دیالکتیک همانندی و*

تفاوت، ۱۰۳.

رویه هم به طور انفرادی و هم به طور جمعی نهایتاً یکسان باشد. منظور از یکسان بودن «انفرادی» این است که دولتی که رفتارش مورد توجه قرار می‌گیرد، در تمامی وقایعی که با رویه مورد نظر درگیر بوده، تقریباً به شیوه یکسانی عمل نموده باشد. منظور از یکسان بودن «جمعی» این است که دولت‌های مختلف نباید اساساً رفتاری کاملاً متفاوت از خود بروز دهند. یعنی برخی کاری را انجام دهند و برخی دیگر کاری دیگر را.^{۷۸}

دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه پناهندگی مشخصاً به این مسأله پرداخته و اظهار داشته است:

«واقعیات، دیوان را نسبت به این امر واقف نموده‌اند که در خصوص اعمال پناهندگی سیاسی و در اظهارات رسمی ابراز شده در موقعیت‌های مختلف، عدم قطعیت و تعارض فراوان، عدم ثبات و اختلاف‌های بسیاری مشاهده می‌شوند؛ در جریان جایگزینی پرشتاب کنوانسیون‌های مربوط به پناهندگی، که برخی دولت‌ها آنها را تصویب و سایرین آنها رد کرده‌اند، عدم یکنواختی و هماهنگی وجود داشته است؛ و عملکرد [دولت‌ها] در موارد مختلف، بسیار تحت تأثیر ملاحظات و مصالح سیاسی قرار داشته‌اند به نحوی که در مورد قاعده مورد ادعای یک جانبه و توصیف قطعی تخلف، امکان تشخیص هرگونه عرف ثابت و هماهنگی که به عنوان حقوق پذیرفته شده باشد، وجود ندارد.»^{۷۹}

حال اگر بخواهیم همین معیارها را در احراز تعریف عرفی تروریسم ملاک قرار بدهیم، آنگاه آیا اختلاف نظر دولت‌ها به طور مثال در خصوص اطلاق یا عدم اطلاق عنوان اقدام تروریستی به فعالیت‌های جنبش‌های رهایی‌بخش از عدم یکنواختی و هماهنگی عملکرد دولت‌ها حکایت ندارد. همان‌طور که اشاره شد شعبه تجدیدنظر در استدلال‌های خود به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی در و علیه نیکاراگوئه استناد کرده، یادآور شده است: «به زعم دیوان، برای آنکه قاعده‌ای عرفی تلقی گردد، رویه متناظر نباید کاملاً در انطباق دقیق با آن قاعده باشد.»^{۸۰} این در حالی است که نظر به اقتضای موضوع اختلاف در این قضیه که ناظر به حوزه عدم توسل به زور بوده، دیوان رویه را

^{۷۸} انجمن حقوق بین‌الملل، اصول حاکم بر شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی عام، ۳۹.

^{۷۹} *I.C.J. Reports*, 1951, Asylum Case, para. 277.

^{۸۰} *I.C.J. Reports*, 1986, Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (*Nicaragua v United States*), Judgment, p. 98, para. 186.

به طور نسبی مدنظر قرار داده است؛ به دیگر سخن، دولت‌ها در بیشتر موارد بر رعایت عدم توسل به زور تأکید نموده، در مواردی هم نقض آن را پیگیری نموده‌اند؛ اما این‌گونه نبوده است که دولت‌ها عدم توسل به زور را نقض نکرده باشند. بنابراین دست‌کم به صرف استناد به یکی از آرای دیوان نمی‌توان حکمی مطلق در مورد ایجاد عرف صادر کرد و این امر مستلزم بررسی بیشتر است.

دیگران نیز تعریف شعبه از تروریسم را جامع و مانع ندانسته، بر این باورند که به رغم اهتمام برای دوری از رویکردی فرمالیست نسبت به ایجاد حقوق بین‌الملل عرفی، اظهارنظر نهایی شعبه راه را برای تفسیر موسع و سوء استفاده مقام‌ها برای سرکوب نظرات مخالف باز گذاشته است.^{۸۱}

نکته دیگری که از نظر مخالفان مخفی نمانده آن است که آقای کسسه، به عنوان رئیس وقت شعب تجدیدنظر دادگاه ویژه لبنان از سال ۲۰۰۱ بر این موضع انگشت تأکید می‌نهاد که تروریسم در حقوق بین‌الملل عرفی جرم محسوب می‌شود.^{۸۲} بنابراین نمی‌توان از میزان تأثیرگذاری آن در تصمیم دادگاه چشم‌پوشی نمود.

مسئله دیگری که به نظر می‌رسد دادگاه ویژه لبنان نیز از آن غافل نبوده است، رعایت اصل قانونی بودن جرم^{۸۳} است. با گسترش تعریف تروریسم مندرج در ماده ۳۱۴ قانون مجازات لبنان در پرتوی حقوق بین‌الملل، این شائبه به ذهن متبادر می‌شود که آیا از این مجرا، اصل قانونی بودن جرم به مخاطره نمی‌افتد؟ با در نظر گرفتن اصول پیش‌گفته می‌توان چنین نتیجه گرفت که برای هر تبعه لبنانی یا هر شخصی که در لبنان زندگی می‌کند قابل پیش‌بینی بوده است که انجام هر اقدامی با هدف پراکندن ترس و وحشت، قابل مجازات خواهد بود؛ صرف‌نظر از نوع وسایل مورد استفاده و اینکه چقدر احتمال می‌رود که این وسایل سبب بروز خطر عمومی شوند.^{۸۴} شعبه سپس به تفسیر دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق از قابل پیش‌بینی بودن یک اقدام مجرمانه اشاره نموده است: حقوق بین‌الملل عرفی نیز می‌تواند به نحو متعارف، یک شخص را از مسؤولیت کیفری متعاقب انجام اقدامی مطلع سازد.^{۸۵} برخی

⁸¹ Gillett and Schuster, "Fast-track Justice: The Special Tribunal for Lebanon Defines Terrorism", 989.

⁸² Saul, *op. cit.*, 678.

⁸³ *nullum crimen sine lege*.

⁸⁴ *STL Decision*, para. 138.

⁸⁵ ICTY, *Milutinović et al*, Decision on Dragoljub Ojdanic's Motion Challenging Jurisdiction - Joint Criminal Enterprise, 21 May 2003 ("*Milutinović JCE Decision*"), para. 41.

چنین قیاسی را مع‌الفارق دانسته‌اند چون که دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق مطابق اساسنامه‌اش اجازه اعمال حقوق بین‌الملل عرفی را دارد، حال آنکه دادگاه ویژه لبنان مقید به اعمال مقررات قانون مجازات لبنان است. در چنین بستری استناد به حقوق عرفی ابزاری مناسب برای مطلع نمودن فرد متهم در دادگاه ویژه لبنان دانسته نشده است.^{۸۶} دیگر آنکه در قوانین لبنان - به عنوان یک نظام حقوق نوشته که مبتنی بر سنت رومی ژرمنی است - هیچ قاعده‌ای وجود ندارد که اجازه اعمال حقوق بین‌الملل عرفی را در مورد جرائم حقوق کیفری بدهد. علت این امر آن است که اصل قانونی بودن جرم نقض نشود.^{۸۷}

به زعم شعبه تجدیدنظر استفاده از حقوق بین‌الملل برای تفسیر حقوق داخلی در راستای اصل عام تفسیر است که میان بیشتر دولت‌ها مشترک است؛ اصلی که بر اساس آن، قوانین ملی یک کشور باید به گونه‌ای تعبیر شوند که تا حد امکان مطابق استانداردهای حقوقی بین‌المللی لازم‌الاتباع برای آن دولت باشد.^{۸۸} برخی نویسندگان اظهار داشته‌اند درست است که بسیاری از دولت‌ها از حقوق بین‌الملل برای کمک به تفسیر حقوق داخلی استفاده می‌کنند اما این امر در سیاق‌ها و به روش‌های مختلفی صورت می‌پذیرد. برخی دولت‌ها از حقوق بین‌الملل برای تفسیر مقررات داخلی‌ای استفاده می‌کنند که تعهدات معاهداتی را به مرحله اجرا در می‌آورند. برخی دولت‌ها فقط زمانی از حقوق بین‌الملل استفاده می‌کنند که ابهامی در قوانین داخلی وجود دارد. برخی دولت‌ها برای اهداف حمایتی به حقوق بین‌الملل استناد می‌کنند آنها برای مثال قرائتی از قوانین افراطی داخلی ارائه می‌کنند که در پرتوی حمایت‌های حقوق بشری هستند؛ نه اینکه باری اضافی - مخصوصاً شکل تازه‌ای از مسؤولیت کیفری - بر اشخاص تحمیل نمایند.^{۸۹} بنابراین از این منظر حقوق بین‌الملل نمی‌تواند به وسیله‌ای برای گسترش دامنه مسؤولیت کیفری فردی مبدل شود.

لازم به ذکر است در تاریخ دهم مارس ۲۰۰۵، کوفی عنان دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، از دولت‌ها دعوت کرد تا رهیافت مشترکی برای مقابله با تروریسم اتخاذ کنند. وی مشخصاً تأکید کرد که کشورها باید برای حصول درک یکسانی از تهدیدهای پیش رو، به مذاکرات و احتجاج‌های طولانی درباره نحوه تعریف تروریسم فائق آیند؛ امری که برای مدت

⁸⁶ Clere, "An Examination of the Special Tribunal for Lebanon's Explosive Declaration of 'Terrorism' at Customary International Law", 42.

⁸⁷ Ambos, *op. cit.*, 659.

⁸⁸ *STL Decision*, para. 41.

⁸⁹ Saul, *op. cit.*, 680.

مدیدی باعث تنزل اقتدار اخلاقی سازمان گردیده است. دبیر کل همچنین سعی کرد تا چارچوب کلی راهبردهای نظام ملل متحد را برای مقابله با تروریسم در سطح جهانی معرفی کند. وی پنج مورد را به عنوان ارکان اساسی یک «راهبرد اصولی و جامع» در مبارزه با تروریسم پیشنهاد کرده است:

بر حذر داشتن گروه‌های ناراضی از انتخاب تروریسم به عنوان روشی برای تعقیب اهدافشان؛

جلوگیری از دسترسی تروریست‌ها به ابزارهای لازم جهت انجام حملات؛

باز داشتن دولت‌ها از حمایت تروریست‌ها؛

ارتقاء ظرفیت دولت‌ها برای جلوگیری از تروریسم؛

حمایت از حقوق بشر در مقابله با تروریسم.

همچنین دبیرکل در تشریح راهبرد پیشنهادی جدید خود، از دولت‌ها تقاضا کرده که به بحث‌های سیاسی درباره «تروریسم دولتی» و «حق مقاومت در برابر اشغال» پایان داده، و درباره یک کنوانسیون جامع‌الاطراف برای محکوم کردن همه اشکال تروریسم توافق کنند. ایشان به دولت‌ها پیشنهاد نمودند که از تعریف روشنی که توسط «هیأت عالی‌رتبه تهدیدها، چالش‌ها و تحولات» در این خصوص ارائه شده، حمایت کنند. هیأت مذکور تعریفی از تروریسم به این شرح پیشنهاد کرده: «هر عملی که با قصد سلب حیات یا ایراد آسیب بدنی جدی به غیرنظامیان یا غیررزمندگان ارتکاب یابد، در صورتی که مقصود از آن وحشت افکندن در یک جمعیت یا مجبور کردن یک دولت یا یک سازمان بین‌المللی برای انجام فعل یا ترک فعل مشخصی باشد، عمل تروریستی شناخته خواهد شد.»^{۹۰}

در این خصوص نگاه به رویکرد دیوان بین‌المللی کیفری نیز ضروری می‌نماید. در سال ۲۰۰۹ در جریان هشتمین نشست مجمع عمومی دولت‌های عضو دیوان بین‌المللی کیفری، نماینده هلند پیشنهاد داد که جنایت تروریسم نیز به فهرست جرائم داخل در صلاحیت اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری اضافه شود. وی ابتدا یادآوری کرد که در جریان کنفرانس رم در سال ۱۹۹۸ قطعنامه «ه» به تصویب رسید که اعمال تروریستی را در زمره شدیدترین

⁹⁰ Annan, K. (2005). Secretary-General Offers Global Strategy for Fighting Terrorism (SG/SM/9757, 10 March 2005) [Press release]. Retrieved from <http://www.un.org/press/en/2005/sgsm9757.doc.htm>

جرائم موضوع نگرانی جامعه بین‌المللی به شمار آورد. در این قطعنامه اظهار تأسف شده از اینکه هیچ تعریف عموماً قابل قبولی از جنایت تروریسم مورد توافق قرار نگرفته تا بر مبنای آن، این جنایت در شمول صلاحیت دیوان قرار گیرد. به زعم نماینده هلند، متأسفانه امروز نیز وضع به همین منوال است. بنابراین در حالی که باید در مسیر فایق آمدن بر این عدم توافق اهتمام ورزیم، باید در عین حال به سوی الحاق جنایت تروریسم به صلاحیت دیوان نیز حرکت کنیم. بدون تردید در این مسیر کنفرانس بازنگری فرصتی مهم را به ارمغان می‌آورد. بدین منظور هلند پیشنهاد می‌کند که جنایت تروریسم در فهرست جرائم پیش‌بینی شده در بند ۱ ماده ۵ اساسنامه - یعنی ماده‌ای که جرائم داخل در صلاحیت دیوان را تصریح می‌کند - قرار بگیرد و در عین حال اعمال صلاحیت دیوان نسبت به این جنایت تا زمان توافق در خصوص تعریف و شرایط اعمال صلاحیت در مورد آن به تعویق بیفتد.^{۹۱} در حقیقت پیشنهاد شد که از فرمول مشابهی که در مورد جنایت تجاوز به کار گرفته شد، در مورد جنایت تروریسم نیز استفاده شود. در پاسخ به این پیشنهاد، سایر نمایندگان ضمن محکوم نمودن تروریسم، اضافه نمودن جنایت تروریسم به اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری را ناپهنگام دانستند، چون که به زعم آنان، تعریف مشخص از تروریسم در سازمان ملل متحد پیش‌شرط الحاق آن به اساسنامه است و چنین تعریفی در حال حاضر وجود ندارد.^{۹۲} با این حال این نظر نیز اظهار شد که با توجه به وجود ۱۳ کنوانسیون ضد تروریسم با کمبود تعریف تروریسم مواجه نیستیم؛ هر چند در خصوص اینکه چه اعمالی می‌تواند به فهرست اعمال تروریستی اضافه شوند، توافقی وجود ندارد.^{۹۳} در خصوص پیشنهاد اینکه با تروریسم نیز مشابه جنایت تجاوز رفتار شود، خاطرنشان شده است که قیاس این دو با هم درست نیست؛ چون که در خصوص تعریف تجاوز با قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی اجماعی به وجود آمده بود، در حالی که چنین تعریفی عموماً در مورد تروریسم وجود ندارد. افزون بر این در کنفرانس رم این شیوه فقط در شرایط بسیار استثنائی مورد توافق قرار گرفت و موفقیت کنفرانس دیپلماتیک رم تا حد زیادی به این شرط بستگی داشت.^{۹۴}

⁹¹ Annex IV-Netherlands: Proposal of amendments, *Report of the Bureau on the Review Conference*, Assembly of States Parties, Eighth session, The Hague, 10 November 2009, p. 12.

⁹² ICC-ASP/8/20, Annex II, *Report of the Working Group on the Review Conference*, Assembly of State Parties, Eighth session, The Hague, 18-26 November 2009, para. 43.

⁹³ *Ibid*, para. 45.

⁹⁴ *Ibid*, para. 48.

در دسامبر سال ۲۰۱۱ و در جریان دهمین نشست مجمع عمومی دولت‌های عضو دیوان بین‌المللی کیفری، نماینده هلند پیشنهاد خود را مجدداً مطرح نمود. وی اظهار داشت از استدلال‌های معطوف به عدم یک تعریف مورد قبول جهانی مطلع است، مع‌هذا می‌توان گامی به جلو گذاشت و جنایت تروریسم را به ماده ۵ اساسنامه اضافه نمود.^{۹۵} در این مرحله نیز دیگر نمایندگان ضمن اشاره به استدلال‌های مطروح در جریان نشست هشتم، تصریح شد که برای اعمال صلاحیت دیوان در مورد جنایت تروریسم لازم است، تصویب مواد مربوط در دو دور صورت گیرد. نخست آنکه به طور کلی این اقدام جرم‌انگاری شود و دیگر آنکه در مرحله بعدی باید تعریفی مورد موافقت قرار گیرد.^{۹۶} بنابراین در این مقطع نیز این پیشنهاد مورد پذیرش قرار نگرفت. نکته حائز اهمیت اینکه نشست اخیر در فاصله چند ماه پس از صدور قرار اعدادی دادگاه ویژه لبنان برگزار شد و در آن به احراز تعریف عرفی تروریسم بین‌المللی هیچ اشاره‌ای نشده است.

نتیجه

تروریسم بین‌المللی، حقیقتاً از مفاهیم سهل و ممتنع روزگار حاضر است. ممتنع از این جهت که اختلاف نظر دولت‌ها در مورد مسائلی همچون وضعیت نهضت‌های آزادی‌بخش یا مقوله‌هایی چون تروریسم دولتی موانعی جدی در تعریف این پدیده ایجاد کرده‌اند. و سهل از آن جهت که دشواری ارائه تعریفی جامع و مانع از این مفهوم، افکار عمومی را از بازشناسایی غالب مصادیق آن باز نمی‌دارد. حال زمانی که پای جرم‌انگاری این معضل پیش کشیده می‌شود، اهمیت و ضرورت تعریف این مفهوم بیش از پیش نمود پیدا می‌کند. اصل قانونی بودن جرم اقتضای آن را دارد که حدود و ثغور جرم کاملاً مشخص شود و تروریسم بین‌المللی نیز از این قاعده مستثنا نیست.

شعبه تجدیدنظر دادگاه ویژه لبنان در ۱۶ فوریه ۲۰۱۱ در خصوص تعریف حقوقی تروریسم اتخاذ تصمیم کرد. در این تصمیم که در پاسخ به شعبه مقدماتی صادر شده بود، با ارجاع به قانون لبنان و حقوق بین‌الملل، عناصر جرم تروریسم - اعم از رکن مادی و معنوی آن - تشریح شد. نقاط عطف این قرار اعدادی را می‌توان از دو جهت خلاصه نمود. نخست

⁹⁵ ICC-ASP/10/32, Report on the Working Group on Amendments, Assembly of States Parties, Tenth session, New York, 9 December 2011, para. 14.

⁹⁶ *Ibid*, para. 15.

اینکه اگرچه مطابق اساسنامه دادگاه ویژه لبنان، قانون مجازات این کشور در خصوص جرم تروریسم مُجرا است؛ با این حال شعبه تجدیدنظر تعریف تروریسم در نظام حقوقی لبنان را - به خصوص از حیث وجه حصری وسایل ارتکاب تروریسم که می‌توانند سبب بروز خطر عمومی شوند - جامع ندانست. بنابراین به این علت و همچنین نظر به اوضاع و احوال خاص قضایای مطروح در پیشگاه این دادگاه، قانون لبنان را در پرتوی حقوق بین‌الملل به نحو موسع‌تری تفسیر نمود. پر واضح است که با چنین تصمیمی گستره مصادیق این جرم افزایش می‌یابد.

نقطه عطف دوم آنکه در این قرار اعدادی تصریح شده است که در خصوص تعریف تروریسم بین‌المللی به عنوان یک جنایت بین‌المللی شاهد شکل‌گیری یک عرف بین‌المللی هستیم. پر واضح است که تأثیر مورد اخیر تنها به دادگاه ویژه لبنان ختم نمی‌شود و ضرورتاً در وادی حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل کیفری منشأ آثار فراوانی خواهد شد. بدین جهت است که حقوقدانان مختلف را به اظهارنظر واداشته است. تصمیم دادگاه بار دیگر مجالی را برای پرداختن به یکی از موضوع‌های کلاسیک حقوق بین‌الملل، یعنی احراز عرف بین‌المللی، فراهم آورد و مشخصاً اهمیت تصدیق مرجع قضایی را منعکس کرد. لکن، نظر به اینکه در این مورد کارکرد احراز عرف، تعریف یک جرم بین‌المللی است، خواه‌ناخواه حساسیت‌های خاص نظام حقوق بین‌الملل کیفری که عمدتاً در رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات ریشه دارند، بر طرز تلقی ما سایه خواهد افکند.

در این میان نکته حائز اهمیتی که باید مد نظر قرار گیرد، توجه به ماهیت دادگاه ویژه لبنان است. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد دادگاه ویژه نه یک دادگاه داخلی صرف و نه یک دادگاه کاملاً بین‌المللی است. با این حال در قرار اعدادی دادگاه ویژه لبنان، حقوق بین‌الملل از منظر حداقلی، یعنی به عنوان سازوکار مصحح یا صرفاً برای پر کردن خلأها مدنظر قرار نگرفته است؛ بر عکس با در نظر گرفتن نقشی مستقل‌تر برای حقوق بین‌الملل در تفسیر و اعمال تعریف لبنان از تروریسم،^{۹۷} عملکردی فعال برای آن قائل است.^{۹۸} بنابراین چنین به نظر می‌رسد که احراز تعریف عرفی از جنایت تروریسم اگر از سوی یک دادگاه بین‌المللی صورت می‌گرفت، شاید با انتقادهای کمتری مواجه می‌شد چون که نوک حمله منتقدان قرار

⁹⁷ *STL Decision*, para. 62.

⁹⁸ Sliedregt and Herik, "The STL Interlocutory Decision on the Definition of Terrorism - Judicial Ingenuity or Radicalism?", 651-652.

اعدادی دادگاه به سمت ارجاع دادگاه به حقوق بین‌الملل نشانه رفته است. به زعم منتقدان علی‌رغم اینکه اساسنامه تصریح نموده که در جریان رسیدگی‌ها و تعقیب متهمان باید قانون مجازات لبنان اعمال گردد، دیگر نیازی به ارجاع به حقوق بین‌الملل نبوده است. با این حال، به نظر می‌آید که در اینجا شاید ابتکار قضایی دادگاه ویژه بیشتر قابل تأمل باشد. دادگاه صبغه بین‌المللی خود را فراموش نکرده، در جایگاه یک دیوان بین‌المللی یادآوری نموده است که تحت شرایطی ممکن است از تفسیرهای دادگاه‌های ملی از قوانین داخلی فاصله بگیرد.^{۹۹}

از سوی دیگر چنین به نظر می‌رسد که شعبه تجدیدنظر در واقع امر از تعاریف موجود تروریسم بین‌المللی، مخرج مشترکی گرفته، از این طریق مؤلفه‌های مشترک را مطرح نموده باشد. مطابق چنین رویکردی قدر متیقن تعریف تروریسم بین‌المللی واجد عناصر برشمرده است. نباید از یاد برد که مسیر تعریف سایر جنایات بین‌المللی و به طور ویژه جنایت تجاوز نیز هموار نبوده، با فراز و فرودهای بسیاری همراه بوده است. با این حال همان‌گونه که تلاش دادگاه یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ در تشریح ارتکاب جرائم جنگی در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی از مقبولیت جهانی برخوردار و ارج نهاده شد، این تصمیم دادگاه ویژه لبنان نیز واجد پتانسیل لازم است که چنین مقبولیتی را در خصوص جرم تروریسم کسب کند.^{۱۰۰} هرچند که امکان دارد حساسیت‌های سیاسی در مورد تروریسم بر میزان مقبولیت آن در آینده سایه افکند.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- انجمن حقوق بین‌الملل. اصول حاکم بر شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی عام. ترجمه محمدجعفر قنبری چهارمی. تهران: دراک، ۱۳۸۴.
- بیگزاده، ابراهیم. «دادگاه ویژه لبنان: گامی در راه گسترش مبارزه با بی‌کیفری.» مجله تحقیقات حقوقی ۴۹ (۱۳۸۸): ۱۸۶-۱۴۵.
- عبدالهی، محسن. تروریسم حقوق بشر و حقوق بشردوستانه. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۸.
- فلسفی، هدایت‌الله. صلح جاویدان و حکومت قانون دیالکتیک همانندی و تفاوت. فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۰.

⁹⁹ *STL Decision*, para. 39.

¹⁰⁰ *Sliedregt and Herik, op. cit.*, 654.

کاسسه، آنتونیو. «تروریسم برهم زنده دسته‌بندی‌های حقوقی حقوق کیفری بین‌المللی.» ترجمه حسین آقای جنت مکان. *مجله حقوقی دادگستری* ۴۴ (۱۳۸۲): ۶۸-۵۵.

میرمحمدی، معصومه سادات. «تأثیر تصویب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بر جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی در قوانین داخلی دولت‌ها و اعمال صلاحیت جهانی از سوی آنها.» *مجله حقوقی بین‌المللی* ۴۱:۲۶ (۱۳۸۸): ۱۷۴-۱۴۳.

ب. منابع انگلیسی

Books and Articles

Ambos, Kai. "Judicial Creativity at the Special Tribunal for Lebanon: Is There a Crime of Terrorism under International Law?" *Leiden Journal of International Law* 24:3 (2011).

Cassese, Antonio. "The Multifaceted Criminal Notion of Terrorism in International Law." *Journal of International Criminal Justice* 4 (2006).

Clere, Almiro. "An Examination of the Special Tribunal for Lebanon's Explosive Declaration of 'Terrorism' at Customary International Law." *Dissertation at University of Otago*. 2012.

Di Filippo, Marcello. "Terrorist Crimes and International Co-operation: Critical Remarks on the Definition and Inclusion of Terrorism in the Category of International Crimes." *European Journal of International Law* 19 (2008).

Gardner, Maggie. "Reconsidering Trials in Absentia at the Special Tribunal for Lebanon: An Application of the Tribunal's Early Jurisprudence." *The George Washington International Law Review* 43 (2011).

Gillett, Matthew and Matthias Schuster. "Fast-track Justice: The Special Tribunal for Lebanon Defines Terrorism." *Journal of International Criminal Justice* 9:5 (2011).

Puchooa, Prakash. "Defining Terrorism at the Special Tribunal for Lebanon." *Journal of Terrorism Research* 2:3 (2011).

Saul, Ben. "Legislating from a Radical Hague: The United Nations Special Tribunal for Lebanon Invents an International Crime of Transnational Terrorism." *Leiden Journal of International Law* 24 (2011).

Sliedregt, Elies Van and Larissa Van Den Herik. "The STL Interlocutory Decision on the Definition of Terrorism – Judicial Ingenuity or Radicalism?" *Leiden Journal of International Law* 24 (2011).

Tomuschat, Christian. "Universal Jurisdiction and Terrorism." in *Socité Française pour le Droit International. Les Nouvelles Menaces Contro La Paix et La Sécurité Internationale*. Paris: Journee Franco Allemande, 2004.

Wählisch, Martin. "The Special Tribunal for Lebanon an Introduction and Research Guide." *GLOBALEX*, 2012, Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=2147749>.

Wood, Michael. "The UN Security Council and International Law." *Hersch Lauterpacht Memorial Lectures*, Held at the Lauterpacht Center for International Law, University of Cambridge, November 7-9, 2006.

Documents and cases

The Arab Convention for the Suppression of Terrorism, adopted by the Council of Arab Ministers of the Interior and the Council of Arab Ministers of Justice. Cairo, April 1998, <http://www.al-bab.com/arab/docs/league/terrorism98.htm>.

Counter-Terrorism Committee Executive Directorate, *Technical guide to the implementation of Security Council resolution 1373 (2001)*, 2009.

I.C.J. Reports, 1951, Asylum Case.

I.C.J. Reports, 1986, Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v United States).

Report of the Islamic Republic of Iran to the Counter-Terrorism Committee pursuant to paragraph 6 of Security Council resolution 1373 (2001) of 28 September 2001, S/2001/1332.

Statute of the Special Tribunal for Lebanon.

Supplementary report of the Islamic Republic of Iran to the Security Council Counter-Terrorism Committee pursuant to paragraph 6 of Security Council resolution 1373 (2001), 19 February 2003, S/2003/266.

UN Special Tribunal for Lebanon (Appeals Chamber), *Interlocutory Decision on the Applicable Law: Terrorism, Conspiracy, Homicide, Perpetration, Cumulative Charging*, STL-11-01/I, 16 February 2011.

Court of Justice, *Assassination of Sheikh Nizar Al-Halabi*, decision no 1/1997, 17 January 1997.

Special Tribunal for Lebanon Rules of Procedure and Evidence, adopted on 20 March 2009, last amended on 20 February 2013.

Report to the Counter-Terrorism Committee (Iran), 27 December 2011, S/2001/1332.

ICC-ASP/10/32, *Report on the Working Group on Amendments*, Assembly of States Parties, Tenth session, New York, 9 December 2011.

Court of Justice, Rachid Karami case, *decision no 2/1999*, 25 June 1999.

Answers to questions 1.2 to 2 of the letter dated 10 October 2003 on the consideration of the Government of the Islamic Republic of Iran with regard to the implementation of the Resolution 1373, 3 March 2004, S/2004/215.

Security Council Resolution 1595, April 7, 2005.

Security Council Resolution 1636, Oct. 31, 2005.

Security Council Resolution 1644, Dec. 15, 2005.

Security Council Resolution 1686, June 15, 2006.

Security Council Resolution 1748, March 27, 2007.

Security Council Resolution 1757, May 30, 2007; Annex, Agreement between the United Nations and the Lebanese Republic on the establishment of a Special Tribunal for Lebanon.

Security Council Resolution 1815, June 2, 2008.

ICC-ASP/8/20, Annex II, *Report of the Working Group on the Review Conference*, Assembly of State Parties, Eighth session, The Hague, 18-26 November 2009.

Terrorism as an International Crime: Special Tribunal for Lebanon's Approach to Definition of International Terrorism

Ebrahim Beigzadeh

Professor of International Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University
Email: beigzadehlaw@hotmail.com

&

Mona Mirzadeh

Ph.D. Candidate in International Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University
Email: mona.mirzade@gmail.com

Abstract

Pursuant to the Special Tribunal for Lebanon's Rules of Evidence and Procedure, on 21 January 2011 Pre-Trial Judge has submitted to the Appeals Chamber some questions of law that require resolution before he can determine whether to confirm the indictment currently before him.

One of the most important questions was about definition of international terrorism. In other word, taking into account the fact that the Statute refers exclusively to the relevant provisions of the Lebanese Criminal Code in order to define the notion of terrorist acts, should the Tribunal also take into account the relevant applicable international law? The Appeals Chamber argued that the narrow interpretation of the "means" element under Lebanese jurisprudence should be interpreted in accordance with the definition of terrorism under international law.

As a first international Tribunal with jurisdiction *ratione materiae* over the crime of terrorism, STL believes that a customary rule of international law regarding the international crime of terrorism has indeed emerged. This customary rule requires the following three key elements: (i) the perpetration of a criminal act (such as murder, kidnapping, hostage-taking, arson, and so on), or threatening such an act; (ii) the intent to spread fear among the population (which would generally entail the creation of public danger) or directly or indirectly coerce a national or international authority to take some action, or to refrain from taking it; (iii) when the act involves a transnational element.

Keywords: definition of international terrorism, Special Tribunal for Lebanon, international crimes, determination of customary international law, means by which terrorism is carried out.

Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. III, No. 2

2015-2

- **Terrorism as an International Crime: Special Tribunal for Lebanon's Approach to Definition of International Terrorism**
Ebrahim BEIGZADEH & Mona MIRZADEH
- **The Effect of the Press on Violence and Feeling Insecure**
Ali SAFFARI & Razieh SABERI
- **Mens Rea of Crime of Torture in Light of International Criminal Court**
Mahdi ABDULMALEKI & Seyed Ghasem ZAMANI
- **The Right of Suspects and Accused to Lawyer in Compliance with Human Rights Instruments**
Rajab GOLDOUST JOOYBARI & Mehran IBRAHIMI MANESH
- **A Comparative Study between Computer Fraud and Traditional Fraud by looking at E-commerce Security**
Seyed Hossein TABATABAEI
- **The Role of Victim in England Criminal Law**
Seyed Alireza MIRKAMALI



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study